کارگران همه کشورها متحد شوید!

نامهٔ مردم

ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران

شمارهٔ ۱۱۸۱، ۱۸ اردیبهشت ۱۴۰۲

دورهٔ هشتم، سال سی و نه

بیانیهٔ مشترک: ما با حزب تودهٔ ایران در دفاع از صلح و پیشرفت در ایران ابراز همبستگی می‌کنیم

در چهلمین سالگرد موج دوم یورش رژیم مذهبی ایران به حزب تودهٔ ایران از ۲۷ آوریل ۱۹۸۳، که به بازداشت و حبس ده‌هزار تن از اعضای آن حزب، از جمله کادرهای اصلی، منجر شد، ما حزب‌های کمونیست و کارگری امضاکنندهٔ این بیانیه همبستگی کامل و فعال خود را با حزب تودهٔ ایران ابراز می‌کنیم. صدها تن از بازداشت‌شدگان آن یورش در زیر شکنجه کشته یا بعداً اعدام شدند.

در مادهٔ پنجم برنامه عمل بیست‌ودومین نشست بین‌المللی حزب‌های کمونیست و کارگری در هاوانا، کوبا، در اکتبر ۲۰۲۲، که به اتفاق آرا تصویب شد، همهٔ ما متعهد

ادامه در صفحهٔ ۱۱

نقش کلیدی مطالبات مادّی زحمتکشان در شکل‌گیری آلترناتیو مردمی در برابر حکومت ولایی

با وجود سرمایه‌های انسانی عظیم و منابع طبیعی فراوان در ایران و موقعیت جغرافیایی مناسب کشورمان، اکثریت مردم، یعنی طبقهٔ کارگر و دیگر لایه‌های زحمتکشان، در سه دههٔ اخیر، پس از پایان یافتن جنگ ایران و عراق، دائم در معرض بحران‌های اقتصادی-اجتماعی رو به گسترش قرار داشته‌اند.

تجربه نشان می‌دهد که کلیّت حکومت ولایی، فارغ از اینکه چه فرد یا جناحی در رأس دولت باشد، خواست و توان و ارادهٔ ضرور برای مقابله با بحران‌های چندوجهی درون کشور را ندارد و حتی در زمینهٔ رفع نسبی کمبودها و گرانی نیازهای اساسی زندگی طبقهٔ کارگر و زحمتکشان ناموفق بوده است. در نگاهی کلی، می‌توان گفت که ماهیت و عملکرد اقتصاد سیاسی موجود در زیر سایهٔ دیکتاتوری حاکم، به‌ویژه تسلط بلامنازع سرمایه‌های کلان خصوصی و شبه‌خصوصی مالی-تجاری نامولّد و ارتباط تنگاتنگ آنها با هرم قدرت سیاسی، امکان ایجاد

ادامه در صفحه ۶

کارزار حزب تودهٔ ایران در روز جهانی کارگر جلب همبستگی با: مبارزهٔ کارگران و زحمتکشان ایران و خیزش زن، زندگی، آزادی

به‌مناسبت بزرگداشت اول ماه مه، روز جهانی کارگر، اعضا و هواداران حزب تودهٔ ایران در کارزارهایی گسترده چهره‌هایی از مبارزهٔ حق‌طلبانه کارگران و زحمتکشان و زنان دلیر ایران علیه دیکتاتوری حاکم را به افکارعمومی، حزب‌های کمونیست، حزب‌ها و سازمان‌های چپ، نیروهای ترقی‌خواه، سندیکاها و اتحادیه‌های کارگری و دیگر نهادهای مردمی منتقل کرده و در میدان‌ها و خیابان‌ها در کشورهای مختلف

ادامه در صفحات ۷ تا ۱۰

بیانیهٔ حزب تودهٔ ایران: درود آتشین به کارگران، زحمتکشان، و زنان مبارز میهن؛ «مرگ بر ستمگر، درود بر کارگر!»

هم‌میهنان گرامی

فرا رسیدن روز جهانی کارگر فرصتی بود تا کارگران و زحمتکشان میهن‌مان در شهرهای مختلف بار دیگر انزجارشان از ادامهٔ حکومت فاسد و ضد مردمی جمهوری اسلامی را اعلام کنند. اعتراض‌های کارگری در شهرهای مختلف کشور، راه‌پیمایی اعتراضی بازنشستگان، فرهنگیان، و دانشجویان و شعار های زنان دلاور کشور: "روز جهانی کارگر همسو با جنبش زن،

ادامه در صفحه ۳

با اتحاد فراگیر و سازمان‌دهی اعتصاب، برای افزایش مزد و توقف خصوصی‌سازی مبارزه کنیم ص ۲

استبداد و سانسور زندگی هنری، اجتماعی، و معیشتی هنرمندان را تهدید کرده و به خطر انداخته است! ص ۴

اینجا فقر حرف آخر را می‌زند ص ۵

مشارکت در آب‌های آزاد، راهی برای جلوگیری از وقوع بحران‌های جهانی است! ص ۱۲

«اوپک پلاس »و نبرد سرمایه‌داری با تورم ص ۱۶

۷۵ سال پس از تأسیس کشور اسرائیل؛ ۷۵ سال نکبت برای فلسطینی‌ها!

ص ۱۴

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و برپایی جمهوری ملی و دموکراتیک!

با اتحاد فراگیر و سازمان‌دهی اعتصاب، برای افزایش مزد و توقف خصوصی‌سازی مبارزه کنیم

چارهٔ رنجبران وحدت و تشکیلات است!

ادامه اعتراض و اعتصاب در مراکز کارگری به‌ویژه درمیان کارگران پروژه‌ای صنعت نفت حکومت جمهوری اسلامی را در تنگنا قرار داده است. اعتراض و راهپیمایی‌های روز جهانی کارگر در نقاط مختلف کشور پیوستگی و رابطه تنگاتنگ جنبش کارگری و خیزش زن، زندگی، آزادی را نمایان می‌سازد. تهدید و دستگیری کارگران و فعالان صنفی فرهنگیان و همچنین بازداشت شماری از پیمانکاران در منطقه گازی پارس جنوبی- عسلویه نگرانی و هراس دستگاه‌های امنیتی را از حضور زحمتکشان در صحنه مبارزه علیه دیکتاتوری حاکم به‌نمایش می‌گذارد.

آغاز اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۲ همراه با شروع موج وسیعی از اعتراض‌ها و اعتصاب‌های کارگری در صنایع نفت و معادن و فولاد کشور بوده است. اگر حذف پیمانکاران و دلالان نیروی کار خواسته محوری اعتراض‌ها و اعتصاب‌های گسترده کارگران در تابستان‌های ۱۳۹۹ و ۱۴۰۰ بود، امسال مبارزه علیه یورش بی‌سابقه رژیم ولایی به معیشت زحمتکشان با مصوبه حداقل دستمزد شورای‌عالی کار در اسفندماه ۱۴۰۱ خواسته باطل کردن مصوبه، افزایش حداقل ۷۹ درصدی دستمزد و ۲۰ روز کار ۱۰ روز استراحت با دریافت حقوق، در رأس خواسته‌های کارگران قرار دارند. به‌تدریج بر تعداد کارگران پروژه‌ای در صنایع نفت، گاز، پتروشیمی، پالایشگاه‌ها، معادن مس، شرکت‌های فولاد، برق، انرژی، و جز این‌ها، در تمام نقاط کشور که به اعتصاب پیوستند افزوده شد و ده‌ها بنگاه و کارخانه را شامل شد. علاوه بر افزایش دستمزد بر اساس سبد معیشت واقعی خانوار کارگری، حذف دلالان نیروی کار، بهبود خدمات رفاهی و انگیزشی و شرایط خوابگاه‌ها، از دیگر خواسته‌های کارگران در صنایع نفت و گاز و پتروشیمی است. علاوه بر اعتصاب سه روزه کارگران "یزدتایر" با خواسته افزایش مزد، در روزهای ۱۰ و ۱۱ اردیبهشت‌ماه بازنشستگان کارگری در چندین شهر با خواسته‌های "مستمری بالاتر از خط فقر، مهار تورم، تأمین درمان رایگان و آزادی مطالبه‌گری" تجمع‌هایی اعتراضی برگزار کرده‌اند." در شرایطی کارگزاران رژیم و رهبران تشکل‌های زرد حکومتی در شورای‌عالی کار به‌اصطلاح "چانه‌زنی" برای تعیین حداقل دستمزد ۱۴۰۲ را در اسفندماه ۱۴۰۱ آغاز می‌کردند که بسیاری از کارفرمایان صرفاً مزد پایه، یا به‌گفته کارفرمایان "مزد وزارت کار" را بدون مزایای مزدی به کارگران پرداخت می‌کنند. بعد از حذف ارز ترجیحی ۴۲۰۰ تومانی و اجرای "جراحی اقتصادی" از سوی دولت رئیسی، سبد معیشت خانوار کارگری بر اساس استاندارد اعلام شده جهانی برای خانوار دو نفره حدود ۳۲ میلیون تومان در ماه، و سبد حداقلی محاسبه شده توسط عضو سابق شورای‌عالی کار و رئیس کمیته دستمزد تشکل دست‌ساز کانون عالی شوراهای اسلامی کار "۱۷ میلیون و ۶۰۰ هزار تومان" در ماه بود. ۱۲ دی‌ماه ۱۴۰۱ کارگروه پایش فقر معاونت رفاه وزارت کار نیز خط فقر در کلان شهرها را ۱۴٫۷ میلیون تومان اعلام کرده بود. در اسفندماه نرخ تورم نقطه به‌نقطه بر اساس اعلام بانک مرکزی ۶۴ درصد، تورم مسکن حداقل ۱۰۰ درصد و تورم سالانه خوراکی‌ها بر اساس اعلام مرکز آمار در بهمن‌ماه ۷۱٫۵ درصد بود. با نقض آشکار و شدید هر دو مؤلفه ماده ۴۱ قانون کار، یعنی نرخ تورم و سبد معیشتی‌ای که حداقل‌های زندگی‌ای کارگری را بتواند تأمین کند، روز ۲۹ اسفندماه شورای‌عالی کار افزایش ۲۷ درصدی حداقل دستمزد کف‌بگیران و ۲۱ درصدی متوسط‌بگیران را تصویب کرد. بنابراین مزد پایه کارگران را به ۵ میلیون و ۳۰۴ هزار تومان و حداقل دستمزد با تمام مزایا را به ۸ میلیون و ۲۱۲ هزار تومان رساند. با تأکید بر اینکه "همه قیمت‌ها در یک ماه اخیر بیش از ۴۰ یا ۵۰ درصد افزایش یافته است" و اشاره به تشکل‌های حکومتی به‌عنوان "یک تشکل زرد"، روز ۱۱ اردیبهشت‌ماه عضو سابق شورای‌عالی کار و رئیس کمیته دستمزد کانون‌عالی شوراهای اسلامی کار گفت: "سبد معیشتی حداقلی ۱۸میلیون تومانی ابتدای سال به رقم ۲۱ میلیون رسیده است." عضو سابق شورای‌عالی کار روز ۱۱ اردیبهشت‌ماه همچنین خطاب به معاون روابط کار وزارت کار، رعیتی فرد، گفت: "خودتان بهتر می‌دانید که حق مسکن و بن در بسیاری از کارگاه‌ها پرداخت نمی‌شود؛ پس بر طبل موفقیت مذاکرات مزدی با استناد به بن و حق مسکن دو میلیون تومانی نکوبید."

رژیم ضد ملی ولایت فقیه با همراهی رهبران تشکل‌های زرد حکومتی در شرایطی یک چنین یورشی را به معیشت زحمتکشان پیش بردند که با تأکید به نیاز افزایش سرانهٔ آرد سیستان و بلوچستان، روز ۱۷ فروردین‌ماه نماینده استان سرگزی به روزنامه آرمان ملی گفت: "قوت غالب مردم استان نان است و متأسفانه آب و رُب و نان را به عنوان غذا مصرف می‌کنند." همان روز در ۲۹ اسفندماه علی خدایی، عضو ارشد به‌اصطلاح گروه کارگری شورای‌عالی کار و چهره درماندهٔ رهبری تشکل‌های زرد، از وعده وزیر کار به کنترل تورم در جلسه شورا خبر داد و گفت: "وزیر کار امضا کرد که در صورت شکست وعده‌های تورمی دولت مزد ترمیم شود." ضمن محکوم کردن یورش رژیم ولایی به معیشت زحمتکشان، کارگران و زحمتکشان در تمام عرصه‌های تولید و خدمات، عملکرد رهبران تشکل‌های زرد حکومتی در شورای‌عالی کار را نیز زیر ضرب گرفتند. روز ۴ فروردین‌ماه او گفت: "تب دولت از کارفرمایان تندتر بود و از قبل باهم بر سر رقم افزایش دستمزد توافق کرده بودند." با این وصف، با اشاره به اینکه گروه کارگری به مصوبه اعتراض داشت، روز ۱۸ فروردین‌ماه گفت: "طبق قانون، گروه کارگری نیز نهایتاً به این مصوبه تن داد و بنابراین مصوبه قانونی است." ۲۲ فروردین‌ماه ۱۴۰۲ عضو سابق شورای‌عالی کار به ایلنا گفت: "اگر اعضای شورای‌عالی کار چنین تعهد کتبی‌ای از جانب دولت در دست دارند، آن را علنی کنند، وگرنه در بیش از بیست سال گذشته هیچ زمان ترمیم مزد در میانه سال از حد مطالبه فراتر نرفته و هیچ زمان به اجرا نزدیک هم نشده!" به‌رغم افزایش تورم و رشد شدید قیمت کالاها، در پاسخ به سئوال خبرنگاری که پرسید: "آیا امکان اصلاح دستمزد با توجه به نرخ تورم وجود دارد یا خیر"، روز ۱۰ اردیبهشت‌ماه وزیر کار، مرتضوی، گفت: "فعلاً اصلاح دستمزد ۱۴۰۲ در دستورکار قرار ندارد."

کارگزاران رژیم "ترمیم مزد" را به عدم توانایی خود به "مهار تورم" مشروط کرده‌اند. با آغاز اردیبهشت‌ماه رسانه‌های دولتی از عدم انتشار نرخ تورم در اسفندماه ۱۴۰۱ و فروردین‌ماه ۱۴۰۲ از سوی مرکز آمار گزارش داده‌اند. روز ۷ اردیبهشت‌ماه عضو سابق شورای‌عالی کار گفت: "مرکز آمار همین داده‌های ناهمخوان را برای اسفند ۱۴۰۱ و فروردین ۱۴۰۲ بیرون نداده است." در واقع ۶ اردیبهشت‌ماه روزنامهٔ اعتماد از عدم انتشار آمار مربوط به تحولات قیمت مسکن از دی‌ماه سال گذشته از سوی مرکز آمار گزارش داد. ۶ اردیبهشت‌ماه اقتصاددان، مرتضی افقه، عدم انتشار آمار از سوی مرکز آمار را "تعمدی" عنوان کرد و به روزنامه اعتماد گفت: "این شائبه وجود دارد که به‌دلیل ناکامی در مهار تورم و افزایش آن نسبت به ماه‌های گذشته ممکن است تعمدی در عدم انتشار آن صورت گرفته باشد. ... احتمال اینکه میزان تورم در سال جاری به ۶۰ درصد هم برسد، وجود دارد." با اشاره به هدف رژیم برای افزایش قیمت بنزین، روز ۷ اردیبهشت‌ماه اقتصاددان، حسین راغفر، "کابوس گرانی بنزین" را "دقیقاً مخالف شعار سال که مهار تورم" است عنوان کرد. با اشاره به حذف ارز ترجیحی ۴۲۰۰ تومانی و جراحی بزرگ اقتصادی، افقه روز ۲ اردیبهشت‌ماه گفته بود: "کاش رئیس‌جمهور دست به یک جراحی بزرگ در تیم اقتصادی خود می‌زد." در مورد "تورم‌زا" بودن افزایش مزد زحمتکشان، با استناد به مطالعات وزارت کار رژیم، روز ۲۹ فروردین‌ماه اقتصاددان، فرشاد مؤمنی، به روزنامه آرمان ملی گفت: "افزایش هر ۱۰۰ درصد دستمزد، حداکثر ۳ درصد افزایش در قیمت‌ها ایجاد می‌کند." او تأکید کرد که "۵۵ تا ۷۰ درصد هزینه بنگاه‌های تولیدی صرف مواداولیه، کالاهای واسطه‌ای و تجهیزات می‌شود" که مسکوت گذاشته می‌شود؛ مؤمنی در مورد علت مسکوت گذاشته شدن گفته بود: "بازی با نرخ ارز منافع مافیاهای واردکننده همین اقلام را تأمین می‌کند." مؤمنی تأکید کرد که "امسال اولین سالی است که نرخ ارز در بودجه مشخص نشده است. ... بی‌سابقه‌ترین جهش‌ها در شاخص فلاکت را تجربه می‌کنیم." مؤمنی افزود: "ماجرای کنترل تورم و رونق تولید، بدون متوقف کردن رویه‌های رانتی و ضد توسعه‌ای غیر ممکن است." درواقع علاوه بر مطالعات وزارت کار در رد تئوری "تورم‌زا بودن افزایش دستمزد"، با نقل اظهارات اخیر یک کارشناس سازمان برنامه، روز ۱۱ اردیبهشت‌ماه عضو سابق شورای‌عالی کار به ایلنا گفت: "افزایش مزد سال قبل تنها دو تا سه درصد اثرات تورمی داشته و مارپیچ دستمزد- تورم مبنای واقعی ندارد."

رئیسی یک سال قبل در اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۱، در هفته کارگر، قول داد که "به‌زودی امنیت شغلی کارگران محقق می‌شود." در همان سخنرانی رئیسی حتا تشکیل کمیته‌ای برای تحقق خواسته کارگران در مورد امنیت شغلی را به وزیر کار خود دستور داد. نه فقط کمیته مزبور هیچ نتیجه‌ای نداشته است، بلکه خود رئیسی یکی از مهم‌ترین مخالفان تصویب لایحه "طرح ساماندهی استخدام کارکنان دولت" برای حذف پیمانکاران و دلالان نیروی کار بوده است. با اعتصاب‌های گسترده اردیبهشت‌ماه امسال و در حالی‌که وزیر کار او افزایش مزد فقط ۲۷ درصدی را به کارگران تحمیل کرده است، بار دیگر در ۱۱ اردیبهشت‌ماه و در دیدار با کارگران به‌مناسبت

ادامه در صفحه ۳

ادامهٔ با اتحاد فراگیر و سازمان‌دهی اعتصاب، ...

روز کارگر رئیسی دروغ سال قبل خود را بزرگ‌تر تکرار کرد و گفت: "امنیت شغلی مساله مهمی است... کسی که شاغل است باید بداند تا چه زمانی این شغل او واقعی است و می‌تواند درآمد زندگی او را تأمین کند و قابل پیش‌بینی باشد."

بعد از یورش فراوان به حقوق زحمتکشان و بی‌اثر کردن مواد حمایتی قانون کار، نهایتاً در سال ۱۳۶۹ این قانون تصویب شد. تبصره ۲ ماده ۷ قانون کار می‌گوید: "در کارهایی که طبع آن‌ها جنبه مستمر دارد، در صورتی که مدتی در قرارداد ذکر نشود، قرارداد دائمی تلقی می‌شود." گرچه دائمی بودن قراردادها در کارهای مستمر نمی‌بایست زیر سئوال می‌رفت، اما با بهانه کردن عبارت معترضه "در صورتی که مدتی در قرارداد ذکر نشود" در این تبصره، و صدور بخشنامه‌ای از سوی وزارت کار در سال ۷۳ ، نهاد ارتجاعی دیوان عدالت اداری دادنامه ۱۷۹ را در سال ۷۵ صادر، و یورش رژیم ولایی به امنیت شغلی کارگران در صنایع نفت، گاز و پتروشیمی، کارگران شاغل در معادن و کارخانه‌های تولیدی و خدماتی، کارگران شاغل در وزارت خانه‌های دولتی و زحمتکشان در مراکز خدماتی و آموزشی مانند پرستاران، آموزگاران، و جز اینان را "قانونی" کرد. از سال ۷۵ نیز رهبران تشکل‌های زرد حکومتی به‌اصطلاح تلاش به باطل کردن این دادنامه می‌کنند. بعد از تصویب مصوبه مزدی سال ۱۴۰۲ و اعتراض گسترده زحمتکشان به یورش رژیم به معیشت خود، حسن حبیبی، یک عضو هیئت مدیره کانون عالی شوراهای اسلامی کار که او نیز از چهره‌های درماندهٔ رهبری تشکل‌های زرد دست‌ساز است، تأکید به ابطال مصوبه مزدی از سوی نهاد ارتجاعی دیوان عدالت کرده است. با اعلام اینکه "اگر تورم را مهار کنند آیا قیمت کالاها...کاهش خواهد یافت، مسلماً خیر"، روز ۹ فروردین‌ماه حبیبی افزود: "باید کارگران از مسیر قانونی ابطال دستمزد را درخواست کنند." در این مورد با اشاره به درخواست ابطال دادنامه ۱۷۹ دیوان عدالت در شهریورماه ۱۴۰۱، روز ۱۳ فروردین‌ماه ح. ح. افزود: "دادنامه ۱۷۹ هنوز باطل نشده است و هنوز به درخواست کارگران رسیدگی نکرده‌اند." اما سه روز بعد در ۱۶ فروردین‌ماه او گفت: "نمایندگان مجلس حامی سرمایه‌داران هستند... انتظار داریم دیوان عدالت اینگونه نباشد، به‌نفع کارگران قدم بردارد." در مورد همان دادنامه‌ای که رهبران تشکل‌های زرد حکومتی از سال ۷۵ "تلاش" به باطل کردن آن می‌کنند و قرار است دیوان عدالت "به‌نفع کارگران قدم بردارد"، ۸ اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۲ ح. ح. گفت: "دادنامه ۱۷۹ یک دادنامه برده‌داری مدرن است." یکی دیگر از رهبران تشکل‌های زرد حکومتی، فتح‌الله بیات، "رئیس اتحادیه کارگران قراردادی و پیمانی ایران"، یعنی به‌اصطلاح رئیس کارگران اعتصابی کشور، روز ۲۴ فروردین‌ماه، گفت: "اگر نمایندگان کارگری شورای‌عالی کار پای مصوبه را امضا نمی‌کردند و فعالان کارگری نیز بحث شکایت از مزد ۱۴۰۲ به دیوان عالی را مطرح نمی‌کردند، امروز واکنش جامعه کارگری سکوت و آرامش نبود."

سخاوت اسدی، مدیر عامل سازمان منطقه ویژه پارس جنوبی، با اشاره به "مشکلات معیشتی" کارگران اعتصابی، اما تهدید ۴ هزار نفر از آنان به اخراج، روز ۹ اردیبهشت‌ماه گفت: "کارگران معترض در پارس جنوبی و عسلویه را اخراج می‌کنیم و به‌جایشان نیروهای جدید می‌آوریم." با شناختی که از رژیم ولایی و جلاد رئیسی داریم که هزاران دانش‌آموز دختر را مسموم می‌کنند، اگر اسدی توانایی جایگزین کردن ۴ هزار کارگر متخصص در کوتاه مدت را داشت، این هدف خود را به رسانه‌ها اعلام نمی‌کرد. اما کارگران باید در مورد پیش‌برد اعتصاب گسترده خود و خواسته‌هایشان تصمیم بگیرند. کارگران به امکانات خود آگاهی کامل دارند و در اعتصاب‌ها، اعتراض‌ها و مبارزات تابستان‌های ۱۳۹۹ و ۱۴۰۰، نمایندگان واقعی خود را شناخته‌اند. به‌خصوص در ماه‌های اخیر و با مبارزه مردمی در جنبش "زن، زندگی، آزادی"، کارگران با ماهیت واقعی رژیم دیکتاتوری آشنا شده‌اند و رشد آگاهی طبقاتی‌ای چشمگیر داشته‌اند و باید به استقلال عمل و استقلال طبقاتی کارگران احترام گذاشت. در رویارویی با رژیم فاسد ولایی، تلفیق مطالبات صنفی مانند افزایش مزد و حذف دلالان نیروی کار با خواست‌های سیاسی و هماهنگ کردن و پیوند مبارزه با جنبش ضد دیکتاتوری "زن، زندگی، آزادی"، می‌تواند ضربه اساسی به رژیم استبدادی را برای عقب‌نشینی در مقابل خواسته‌های کارگران و تغییر توازن قوا در میدان مبارزه به‌سود خلق به‌وجود آورد. مانند خامنه‌ای، تمام وعده‌های رئیسی جلاد در روز کارگر نیز غیر از وعده‌های بی‌پشتوانه بیش نیست. کارگران حقوق حقه خود را با سازماندهی جنبش اعتصابی به‌دست خواهند آورد.

ادامهٔ بیانیهٔ حزب توده ایران...

زندگی، آزادی"، بار دیگر به‌روشنی نشان داد که جنبش مردمی به رغم همه تلاش‌های سرکوبگرانه رژیم همچنان ادامه دارد و هر روز از روزنه‌هایی مختلف سر برون می‌کند. درحالی که علی خامنه‌ای، دیکتاتور حاکم بر میهن‌مان، در دیدار با جمعی از کارگران با "اشک تمساح ریختن" به‌هدف دلجویی از میلیون‌ها خانوادهٔ کارگری که به‌خاطر سیاست‌های نولیبرالی‌ای دیکته شده از سوی "دفتر رهبر" به زیر خط فقر رانده شده‌اند عوام فریبانه همدردی‌اش را با اعتراض‌های کارگری اعلام می‌کرد. درعین‌حال نیروهای امنیتی‌اش فعالان کارگری، بازنشستگان، و فرهنگیان کشور را دستگیر و روانه شکنجه‌گاه می‌کردند و نیز برخلاف بیانیهٔ دستگاه امنیتی‌اش مدارس دخترانه همچنان هدف حمله‌های شیمیایی گزمگانش قرار داشتند و هم‌زمان با این تحرکات ضد ملی سرمایه‌داران مورد حمایت و عنایاتش نیز هزاران کارگر در پارس جنوبی را- بنا به‌گزارش رسانه‌ها چهار هزار کارگر- به‌دلیل اعتصاب و اعتراض‌شان به وضعیت ناهنجار مزدی، امنیت شغلی، و نحوهٔ گذران زندگی خود و خانواده‌های‌شان با یک دستور اخراج کردند. خبرگزاری فارس، وابسته به سپاه پاسداران رژیم، ۱۰ اردیبهشت‌ماه، در توجیه حمله و بازداشت شماری از فعالان کارگری و مدنی و با نام بردن از آنیشا اسدالهی و ریحانه انصاری‌نژاد، مدعی شد افراد بازداشت شده در خانه سخنگوی شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی معلمان "با هدف طراحی و هماهنگی برای ایجاد تنش در تجمعات کارگری و معلمین و هدایت آن‌ها به سوی اعتصابات سراسری و نیز برجسته‌سازی مجدد پروژه مسمومیت‌های مصنوعی در مدارس گردهم آمده بودند."

"تشکل‌های صنفی و مدنی مستقل ایران"، در قطعنامه‌ای که به‌مناسبت روز جهانی کارگر و روز معلم صادر کردند، از جمله اعلام کردند: "روز معلم و مراسم اول ماه مه امسال را درحالی برگزار می‌کنیم که کارگران، معلمان، زنان، دادخواهان، ملت‌های تحت ستم، دانشجویان، بازنشستگان و عموم توده‌های ستمدیدهٔ مردم ایران در مصافی تاریخی و زیر و رو کننده با سیستم ضد انسانی حاکم بر کشور قرار گرفته‌اند و به رغم سرکوب خونینی که حکومت طی هشت ماه گذشته انجام داده است جنبش انقلابی مردم ایران همچنان زنده و پویاست و روزی نیست که مردمِ به‌جان آمده در هر سو از جغرافیای سیاسی ایران با هر زبانی در خیابان و محل کار و زندگی حکومت را آماج اعتراضات تحول‌خواهانهٔ خود قرار ندهند." این قطعنامه در ادامه آورده است: "پرچم اعتراضات بنیادینی که امروز در ایران بدست زنان، دانشجویان، دانش‌آموزان، معلمان، کارگران، دادخواهان، هنرمندان، رنگین‌کمانی‌ها، نویسندگان، و عموم توده‌های ستمدیدهٔ مردم ایران بر افراشته شده است اعتراضی است علیه زن‌ستیزی، ناامنی پایان‌ناپذیر اقتصادی، بردگی نیروی کار و فقر و فلاکت و ستم طبقاتی، تبعیض جنسیتی و ملی و مذهبی، و انقلابی است علیه هر شکلی از استبداد مذهبی و غیرمذهبی که در طول بیش از یک قرن گذشته بر ما مردم ایران تحمیل شده است."

حزب تودهٔ ایران، همان‌طور که در اعلامیهٔ کمیتهٔ مرکزی حزب به مناسبت روز جهانی کارگر تأکید کرده است، معتقد است: "حکومت جمهوری اسلامی، حکومت نمایندگان کلان‌سرمایه‌داری تجاری و سرمایه‌داری بوروکراتیک بر میهن ما است. پایگاه نظری این حکومت همان "اسلام سیاسی"ای است با این ابزار اعتقادی که حاکمیت روحانیت فاسد و ظالم کنونی حاکمیتی است مادام‌العمر و با خواست یا رأی مردم نمی‌توان آن را تغییر داد. تجربهٔ سال‌های چهار دههٔ گذشته نشان داده است که نظام سیاسی کنونی سدی اساسی در برابر تحقق خواست‌های شما و حرکت کشور به سمت عدالت اجتماعی است. ساختار عمیقاً فاسد و ظالمی که بر میهن ما حکومت می‌کند اصلاح‌ناپذیر است و بنابراین رفتن به‌دنبال راهکارهایی که هدف آن‌ها فقط انجام تغییرهایی سطحی در نظام سیاسی کنونی است نه‌تنها موفقیتی به‌همراه نخواهد داشت، بلکه به ادامه یافتن و طولانی‌تر شدن عمر استبداد در میهن ما کمک خواهد کرد... بدون پایان دادن به حکومت دیکتاتوری حاکم و گشودن راه به سمت استقرار جمهوری ملی و دموکراتیک که به‌گمان ما نمایندگان راستین طبقهٔ کارگر باید در آن حضوری جدی داشته باشند به تغییری اساسی و پایدار در زمینه تحقق عدالت اجتماعی و برخوردار شدن مردم و طبقهٔ کارگر و زحمتکشان میهن از حقوق و آزادی‌های دموکراتیک نمی‌توان امیدوار بود."

حزب تودهٔ ایران
۱۳ اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۲

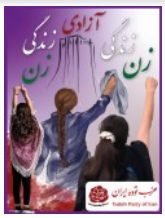

گزارش هایی از پیکار و زندگی مردم

استبداد و سانسور زندگی هنری، اجتماعی، و معیشتی هنرمندان را تهدید کرده و به خطر انداخته است!

تشکیل پروندهٔ قضایی علیه زنان هنرمند و سینماگر به‌اتهام‌هایی بی‌پایه باید مختومه اعلام شود!

ستیز حکومت جمهوری اسلامی با هنرمندانی که زیر سایه شوم و سنگین همچنان پیام رسان واقعیت‌های تلخ و شیرین زندگی مردم و مطرح کنندهٔ مسئله‌هایی بغرنج در روابط فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، و زیست‌محیطی مردم و زحمتکشان سرزمین‌مان هستند، از ماهیت فرهنگ‌ستیز و تفکر منسوخ قرون‌وسطایی نیروهای حاکم بر میهن ما نشئت می‌گیرد.

پس از پیروزی انقلاب بهمن ۵۷ با نیروی مردم، رهبران مذهبی و روحانیون تازه به‌قدرت رسیده بلافاصله دشمنی‌شان را با هنرمندان در عرصه‌های موسیقی، سینما، تئاتر، و جز این‌ها، با خانه‌نشین کردن، بازداشت، اعدام، ممنوع الکاری آنان و تحمیل مهاجرت ناخواسته نشان دادند. یورش به آزادی و حقوق هنرمندان بی‌وقفه و به‌شکل‌هایی مختلف مانند منع آموزش دختران در رشته موسیقی، قدغن کردن آوازخوانی هنرمندان زن در اجرای عمومی، تحمیل حجاب اجباری برای زنان بازیگر در سینما و تئاتر به‌رغم محتوای سناریو و نمایشنامه، نظارت خشن و اعمال سلیقه در اجرای کنسرت‌ها و نمایش‌ها تا امروز همچنان ادامه دارد. بایدها و نبایدها در آفرینش‌های هنر موسیقی و زیر و بم‌های بسیار در زندگی استادان موسیقی در اثر نظارت‌ها خود گویای وضعیت این هنر در ایران است. رژیم با تحمیل هزینه بالای زندگی، هنرمندان میهن ما را هم با چالش‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی‌ای عظیم روبرو کرده است. بسیاری از این هنرمندان نه بیمه‌ای دارند و نه سرپناهی و همه عمر را با اجاره نشینی سپری کرده‌اند.

تحمیل هزینه‌های سنگین زندگی به هنرمندان تئاتر و کاهش حمایت‌های دولتی از گسترش فعالیت‌ها و تشکل‌های فرهنگی، تبعیض در اختصاص و پرداخت اندک بودجه‌ای که به هنرمندان خانه تئاتر تعلق می‌گرفت و مورد اعتراض آنان بود، نمونه‌ای دیگر از زیر فشار گذاشتن و ستیز با هنر تئاتر میهن ماست. در سال گذشته شهرداری هیچ حمایتی از خانه تئاتر نکرده است. پیش از این مبالغی با تصویب شورای شهر از طرف شهرداری به خانه تئاتر پرداخت می‌شد اما در سال گذشته همین بودجهٔ اندک هم به خانه تئاتر تعلق نگرفت. با تجمیع بودجه‌های فرهنگی حمایت از خانه تئاتر کاهش پیدا کرد و شهرداری بسته‌های معیشتی را هم برای اعضای خانه تئاتر قطع کرد. در همین حال بودجه‌هایی هنگفت دراختیار روحانیون، دوایر و سازمان‌های مذهبی وابسته به رژیم و بسیج و نیروهای بسیج قرار گرفته است.

هنر سینما هم در رژیم ولایت فقیه که با فساد ساختاری دست و پنجه نرم می‌کند از فساد و باندبازی بر کنار نمانده است. واقعیت این است که بسیاری از هنرمندان شناخته شده میهن ما به‌دلیل فساد و باندبازی بالا دستی‌ها از کار بیکار شده‌اند. درنتیجه، آنان با کوچک‌ترین اعتراضی بازداشت یا ممنوع‌الکار می‌شوند یا با ساخت اثر هنری‌ای مغایر با سلیقهٔ بزرگان حاکمیت درصورت نپذیرفتن سانسور و شرحه شرحه کردن اثرشان به‌اتهام اقدام علیه نظام برایشان پرونده قضایی گشوده می‌شود. برخی از فیلم‌های ساخته شده پیش از اکران و از سوی اداره سازمان سینمایی ایران توقیف می‌شوند، اقدامی که مغایر با مقاوله نامه‌های حقوق بشری و قوانین داخلی است و به‌لحاظ اخلاقی و روانی نقض کرامت انسانی است. در این زمینه به مقاومت گروهی از زنان هنرپیشه و شاغل در صنعت سینما علیه حجاب اجباری باید اشاره‌کرد. این گروه از زنان شجاع ضمن مخالفت با حجاب اجباری در کنار مردم قرار می‌گیرند و همراه آنان گام برمی‌دارند. از این جهت قوه قضاییه به‌قصد ایجاد فضای ارعاب برای آنان پرونده قضایی تشکیل داده است. توقف اِعمال فشار به‌هنرمندان به‌ویژه زنان هنرمند از خواسته‌هایی است که در جنبش زن، زندگی، آزادی مطرح است.

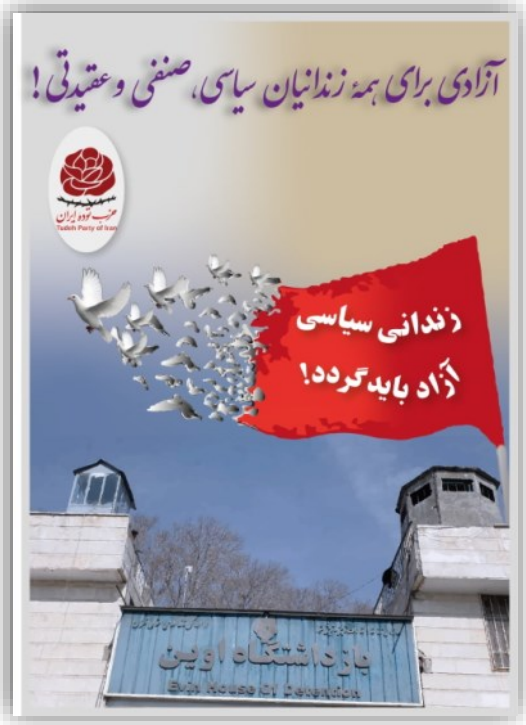

وضعیت وخیم معاش هنرمندان میهن‌مان را باید در راستای اجرای سیاست‌های نولیبرالی و یورش به دستمزدها ارزیابی کرد. دستمزد بسیاری از این هنرمندان یا پائین است یا اصلاً از دستمزد خبری نیست. وضعیت نابسامان ساخت فیلم و سریال هم بی‌تأثیر از سیاست‌های نولیبرالی نمی‌تواند باشد. به‌گفتهٔ یکی از پیشکسوتان عرصهٔ هنر "در رادیو، هنرپیشه‌ها، گوینده‌ها و تمام عوامل به‌غیر از عده‌ای خاص که برنامه‌ساز هستند، بقیه وضعیت خوبی از نظر درآمدی ندارند."

ستیز با هنرمندان به‌فرمان ولی فقیه و اجرای آن از طرف وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی دولت رئیسی و اراذل و اوباش آنان و با در اختیار گذاشتن بودجه لازم با شعار ارتجاعی حمایت از حجاب و عفاف ابعاد تازه‌ای به‌خود گرفته است. در راستای این برنامه قرار است زمینه تولید محصولات به‌اصطلاح فاخر اما درحقیقت مبتذل فرهنگی هنری با محوریت حجاب و عفاف فراهم شود. اعتراض جمعی از وکلا و هنرمندان به تداوم حملات شیمیایی به مدارس درحالی که هر اقدام و حرکت اعتراضی از چشم نیروهای استبدادی پنهان نمی‌ماند، نشانه‌ای از پایداری و شجاعت هنرمندان مردم‌دوست است. هنرمندان متعهد همواره در کنار مردم بوده‌اند چندان که حتا آفریده‌های هنری‌شان لحظه‌ها و آناتی از زندگی تودهٔ مردم در خود دارد.

طرح برخورد با کشف حجاب و پلمب واحدهای صنعتی

کوشش مذبوحانهٔ حکومت جمهوری اسلامی برای مقابله با مقاومت دلیرانهٔ زنان علیه حجاب اجباری محکوم به‌شکست است. این‌طرح نه‌تنها با ایستادگی دختران و زنان به‌شکست انجامیده، بلکه به‌نارضایتی گسترده درمیان کسبهٔ خُرد، خویش‌کارفرمایان، و کارکنان واحدهای صنفی اعم از کارگر، فروشنده، و کارمند دامن‌زده و مخالفت با ارتجاع و دیکتاتوری را بیش‌ازپیش به‌ژرفای جامعه سوق می‌دهد.

خیزش "زن زندگی آزادی" و مبارزه مردم علیه دیکتاتوری حاکم باوجود توطئه‌های رنگارنگ دستگاه‌های حکومتی و ارگان‌های امنیتی به‌شکل‌های گوناگون ادامه دارد. هم‌زمان با اعتراض و اعتصاب‌های کارگری در صنایع پتروشیمی و دیگر رشته‌های صنعتی – خدماتی، پیکار دلیرانهٔ دختران و زنان میهن ما علیه حجاب اجباری و تبعیض جنسیتی- طبقاتی هرروز گسترده‌تر می‌شود. از اواسط فروردین‌ماه سال جاری رژیم با اعلام اجرای طرح برخورد با کشف حجاب تلاش ورزید بر مقاومت زنان علیه تبعیض‌های جنسیتی و حجاب اجباری غلبه کند. یکی از این اقدام‌ها پلمب واحدهای صنفی، مراکز تفریحی و گردشگری، هتل‌ها، میهمان‌سراها و فروشگاه‌ها بوده است. یکی از آخرین برآوردهای آماری که از سوی روزنامه شرق انتشار یافته نشان می‌دهد از اواخر فروردین‌ماه امسال تا اوایل اردیبهشت‌ماه بیش از دو هزار واحد صنفی در سراسر کشور پلمب شده است. پلمب واحدهای صنفی به‌بهانهٔ

ادامه در صفحهٔ ۵

ادامهٔ گزارش هایی ازپیکار و...

عدم رعایت حجاب یا مشارکت در کشف حجاب طیفی گسترده از مشاغل و اصناف را شامل می‌شود. عمده واحدهای صنفی پلمب شده به واحدهای کوچک و متوسط متعلق است که در قیاس با تجار بازار و واحدهای صنفی بزرگ درآمدهایی بسیار کم‌تر دارند. نمونه‌هایی دراین زمینه می‌توان ذکر کرد: در تهران و کرج دایرهٔ نظارت بر اماکن عمومی اعلام کرد هر واحد صنفی‌ای که حجاب را رعایت نکند به‌دلیل تخلف صنفی توسط این دایره پلمب می‌شود. ده‌ها رستوران، کافه و فروشگاه لباس به‌همین دلیل در تهران و کرج پلمب شدند. در گزارش دیگری اعلام شد چند کافه و رستوران در شهرهای شیراز، تبریز و مشهد با دستور مقام‌های قضایی به‌دلیل مشارکت در کشف حجاب پلمب شدند. یک داروخانه در شهر اَمل به دلیل "کشف حجاب و هتک حرمتِ آمر به معروف" پلمب گردید. در جزیره قشم امام‌جمعه این جزیره همراه با عده‌ای از اوباش به پاساژها و اماکن عمومی و تفریحی رفت و "خودسرانه" دستور پلمب چند واحد صنفی را صادر کرد. این واحدهای صنفی محل درآمد چندین ده کارگر، کارمند و فروشنده بودند که همگی فاقد قرارداد رسمی یا بیمه هستند و با پلمب محل کارشان از دسترسی به درآمد ناچیز روزانه محروم شدند. به‌گزارش خبرگزاری ایلنا، در شهر دزفول اماکن تفریحی و گردشگری تعطیل و فروشگاه‌های فعال در این مراکز پلمب شدند. علت این تعطیلی را خبرگزاری ایلنا "رعایت نشدن حجاب و رقص خانم‌های بی‌حجاب" عنوان کرده است. در شهر سنندج کافه‌گالری مشهور طهران به‌دلیل آنچه همکاری و مشارکت در کشف حجاب نامیده شد تعطیل و چند کارمند آن بیکار شدند. همچنین به‌گزارش همشهری آنلاین در بابلسر مطابق اطلاعیه روابط عمومی ستاد امر به معروف و نهی از منکر ۶ واحد صنفی به‌علت رقص خانم‌ها و بی‌حجابی پلمب گردیدند. در بندر بوشهر به‌دستور معاون دادستانی استان بوشهر ۵ واحد صنفی پلمب و صاحبان فروشگاه‌ها تهدید به جریمه نقدی نیز شدند. اعتمادآنلاین نیز از قول مدیرکل صمت استان گیلان از برخورد با بی‌حجابی خبرداده و نوشت: "بیش از ۵ واحد صنفی در رشت به‌علت عدم رعایت عفاف و حجاب پلمب شدند." به‌عنوان نمونه‌ای دیگر، روزنامه شرق از پلمب موقت مجتمع تجاری آپل در تهران خبر داد که مطابق آن بیش از ۴۵۰ واحد تجاری در این مجتمع تعطیل شده و حداقل ۱۵۰۰ فروشنده، کارگر خدماتی، کارگر ترابری، راننده و نگهبان شغل خود را از دست دادند.

پلمب واحدهای صنفی تأثیر مستقیم بر زندگی و امنیت شغلی صدها هزار تن از کارکنان بخش خدمات در سراسر کشور اعم از کارگر و کارمند دارد. تعطیلی فروشگاه‌ها سبب بیکاری جوانان دختر و پسری می‌شود که به‌عنوان فروشنده، راننده، آشپز، پیشخدمت، حسابدار و کارمند در این واحدها به‌کار اشتغال دارند. این لایه از زحمتکشان بخش خدمات به‌طورعمده از قراردادهای قانونی و رسمی، بیمه، حق بازنشستگی و دیگر مزایای قانون کار محروم هستند و پلمب واحدهای صنفی به‌معنای تحمیل فقر به آنان است. نکته بسیار پراهمیت اینجاست که با وجود چنین شرایطی این لایه از زحمتکشان از سیاست رژیم در خصوص برخورد با زنان شجاع به‌هیچ‌وجه مرعوب نشده و همواره در مسئلهٔ مقاومت زنان علیه حجاب اجباری درکنار آنان باقی مانده‌اند.

با پلمب هرفروشگاه و واحد صنفی صدها فروشنده، کارگر و میهماندار و نظایر آن بدون داشتن پشتوانهٔ مالی منبع درآمدشان را از دست داده و با ضربه‌های واپس‌گرایان به درهٔ فقر پرتاب می‌شوند. مقاومت علیه ارتجاع و حجاب اجباری مبتنی بر خواست و ارادهٔ مردم میهن ما به‌ویژه دختران و زنان است. طرح برخورد با کشف حجاب و پلمب واحدهای صنفی هرگز نمی‌تواند ارادهٔ مردم ما و پیشاپیش آنان زنان ایران را درهم بشکند. زنان دلیر میهن ما با مقاومت در برابر حجاب اجباری رژیم را به‌زانو درخواهند آورد. این مقاومت باید با اعتراض زحمتکشانی که با پلمب واحدهای صنفی درآمد و امنیت شغلی‌شان را از دست می‌دهند پیوند خورده و تقویت جنبش زن زندگی آزادی را موجب گردد.

اینجا فقر حرف آخر را می‌زند...

سوخت‌بری یکی از معضل‌های بی‌شمار اجتماعی است که فاجعه زندگی در سایه رژیم ولایت فقیه را به‌شکلی عریان به نمایش می‌گذارد. هر از گاهی شاهد انتشار اخبار کشتار سوخت‌بران به‌وسیلهٔ نیروهای انتظامی رژیم در مرزها یا اخبار مربوط به حوادث جانکاه سوختن پیکر انسان‌هایی هستیم که در تلاش برای زنده ماندن با حمل باری خطرناک و قابل اشتغال به صورت پیاده، با موتور یا ماشین، راه‌ها و کوره‌راه‌های پرخطر و طاقت‌فرسا را تا مرزهای پاکستان در پیش می‌گیرند و درمی‌نوردند. صحبت از هزاران جوان، نوجوان، و حتی زنان محرومی است که بدون هیچ دورنمایی امیدبخش در افق زندگی، به این "شغل" پرخطر روی آورده و جان خویش را سرمایهٔ لقمه‌ای نان می‌کنند. در این زمینه یک سوخت‌بر به خبرنگار رکنا گفته‌بود: "هیچ شغلی در این منطقه وجود ندارد و به صورت تقریبی می‌توان گفت که ۸۰ درصد جوانان این منطقه در شهرستان نیکشهر مشغول سوخت‌بری هستند. . . . این اسمش قاچاق نیست زیرا ما شغلی غیر از این نداریم. حتی تعداد اندکی از آنهایی که مشغول به این کار هستند شناسنامه ندارند. . . . مجبور هستم و هیچ کار دیگری وجود ندارد تا انجام دهیم."

بنا به‌اعتراف مسئولان بلندپایه رژیم، استان سیستان و بلوچستان از محروم‌ترین و عقب‌مانده‌ترین استان‌های کشور از نظر اقتصادی است. بنابه آمارهای منتشر شده بیش از نیمی از جوانان در این منطقه بیکار هستند. سوخت‌بری و ده‌ها شغل کاذب دیگر نتیجه مستقیم سیاست‌های اقتصادی نولیبرالی‌ای است که دولت‌های مختلف جمهوری اسلامی با همراهی فرماندهان حریص سپاه به‌اجرا گذاشته‌اند. ولی فقیه با ابلاغیه اصل ۴۴ و ارائه برنامه رئوس کلی سیاست‌های اقتصادی جمهوری اسلامی سردمدار پیدایش این وضعیت دهشتناک اقتصادی است.

این سیاست اقتصادی ویرانگر با تصمیم و نظر خامنه‌ای و در هماهنگی با نهادهای مالی امپریالیستی به‌وسیلهٔ دولت‌های اصلاح طلب، اصولگرا، اعتدال‌گرا، و هم‌اکنون با وسعت هرچه بیشتر زیر عنوان "مولد سازی دارایی‌ها" به‌وسیلهٔ دولت رئیسی جنایتکار به پیش برده شده و می‌شود و ورشکستگی اقتصادی، نابودی تولید ملی، و تشدید فقر و بیکاری در سراسر ایران، به‌ویژه در مناطق محرومی چون سیستان و بلوچستان را موجب شده است. اگر این سیاست با مقاومت کارگران و دیگر زحمتکشان کشور رو به رو نشده بود، فاجعه به‌مراتب بیش از آنچه امروز شاهد آن هستیم عمیق می‌بود. اعمال ستم دوگانه طبقاتی و ملی از سوی رژیم‌های شاه و ولایت فقیه در کنار عامل طبیعت خشن، و فقدان حداقل امکانات زیستی، بهداشتی، آموزشی و دیگر خدمات رفاهی، وضعیتی تحمل‌ناپذیر را برای جمعیت پرشماری از مردم محروم این منطقه به‌وجود آورده است. آن دسته از زحمتکشان بلوچ که در نقاط مرزی‌ای نظیر سراوان و دیگر شهرهای استان زندگی می‌کنند و توان مهاجرت به دیگر شهرهای ایران یا کشورهای دیگر برای یافتن کار نیستند، به "انتخاب شغل سوخت‌بری" برای تأمین زندگی روزمره‌شان مجبور و محکومند.

ناگفته پیداست که کارگزاران حامی استثمارگران و دولت‌های فاسدی که خود عامل تیره‌روزی و فقر و فلاکت زحمتکشان در استان سیستان و بلوچستان هستند نمی‌توانند یا نمی‌خواهند راه‌حلی اساسی برای حل مشکلات سوخت‌بران ارائه دهند. راه‌حل‌هایی همچون طرح "رزاق" [به‌معنای رزق و روزی دهنده] که ستاد مبارزه با قاچاق کالا و سپاه پاسداران و با ادعای مبارزه با شبکه دلالان و مافیای سوخت، ولی درواقع با هدف تقویت و تحکیم سلطه اقتصادی و سیاسی سپاه در منطقه به‌اجرا درآمده بود، از طرف سوخت‌بران طرد و با شکست مواجه شد. طبق این طرح، سوخت‌بران به کار سوخت‌بری خود که عوامل رژیم از آن با عنوان "قاچاق کالا" اسم می‌برند می‌بایست ادامه بدهند، اما این بار زیر نظر سپاه. گویا سوخت‌بری زیر نظر فرماندهان فاسد سپاه که کنترل اسکله‌های بزرگ قاچاق کالا در کشور را در دست دارند، نه قاچاق کالا، بلکه معامله‌ای حلال، شرعی و قانونی است. سخنان اخیر پاسدار محمد کرمی، استاندار سیستان و بلوچستان، در خصوص به‌اصطلاح مشکل فرهنگ کار در این استان خود گویای طرز فکر واپسگرای مسئولان درجه اول رژیم ولایت فقیه است. نجات سوخت‌بران زحمتکش از زندگی مشقت‌بار و پرخطر کنونی‌شان و تأمین زندگی‌ای شایسته و انسانی برای آنان و خانواده‌های‌شان، در گرو سرمایه‌گذاری‌های کلان در بخش‌های صنعتی و کشاورزی همراه با توجه به وضعیت جغرافیایی منطقه و به‌شیوه‌ای علمی است. اما دفاع از خواست سوخت‌بران برای شغلی مناسب و بهبود شرایط زندگی‌شان از طریق وادار کردن رژیم به پذیرش این خواست و با اجرای طرح‌های کوتاه مدت عمرانی، تقویت کشاورزی، ایجاد شبکه‌های خدمات درمانی و بهداشتی رایگان، و نیز تحت پوشش بیمه بیکاری و دیگر بیمه‌های اجتماعی قرار دادن سوخت‌بران و خانواده‌های آنان، وظیفه امروز همه نیروهای مترقی و عدالت‌خواه است. جای کودکان سوخت‌بر در کلاس‌های درس است نه در کوه‌ها و بیابان‌ها دویدن در پی لقمه‌ای نان. سوخت‌بری جرم نیست! به کشتار سوخت‌بران باید پایان داد!

ادامهٔ نقش کلیدی مطالبات مادّی زحمتکشان ...

تغییرهای اساسی در شئون کلیدی اقتصاد ملی را مسدود کرده است.

شواهد نشان می‌دهد که در سه دههٔ گذشته، جهت دادن اقتصاد کشور به سوی فرایند ثروت‌اندوزی شخصی لایه‌های بالایی سرمایه‌داری نامولّد امری کاملاً عمدی بوده است. از دورهٔ دولت رفسنجانی، پس از اتمام جنگ ایران و عراق، و تا کنون، هدف مجموعهٔ رژیم عبارت بوده است از انباشت سرمایه‌های برخوردار از سودهای کلان و سریع با هدف دامن زدن به رشد اقتصادی کشور بر محور کاربست الگوی نولیبرالی و اتصال به سرمایه‌های بزرگ مالی-تجاری جهانی. این الگوی بسیار مخربی است که بنا به دستورهای اخیر "رهبری" قرار است برای رفع تهدیدهای دشمن و "حفظ نظام" با شدت بیشتری گسترش یابد! این رویّهٔ اقتصادی تا کنون، به‌جای رشدِ توسعه‌محور کشور، به رشد سرطانی سرمایه‌داری انگلی نامولّد و بسیار فاسد و فسادپذیر منجر شده است. این رویّه از یک سو سرمایه‌داری تولیدی ملی و مستقل از حکومت را تا حدّ نابودی به حاشیه رانده است و از سوی دیگر، با نفوذ و رواج عمیق و گسترده در کلیهٔ دستگاه‌های حکومتی، و با قرار دادن شئون اساسی و تصمیم‌گیری اقتصادی کشور در دستان سرمایه‌داری بوروکراتیک (دیوان‌سالار)، اقتصاد کشور را تابع منافع جناح‌های عمدهٔ حکومتی و رقابت بین آنها کرده است.

توجه به این نکته مهم است که محور نظام سیاسی، یعنی حاکمیت مطلق ولایت فقیه، و اهرم اصلی سرکوب آن که سپاه است، کاملاً به عملکرد اقتصاد سیاسی موجود وابسته است، زیرا پیوند تنگاتنگ لایه‌های بالایی سرمایه‌داری مالی-تجاری و سرمایه‌داری بوروکراتیک با هرم قدرت را تحکیم کرده است. به دیگر سخن، تاروپود پایهٔ اقتصادی و روبنای سیاسی حکومت ولایی چنان با هدف "حفظ نظام" و تأمین منافع لایه‌های بالایی بورژوازی در هم تنیده شده است که امکان عملی کردن اصلاحات مؤثر و پایدار در حکومت به نفع طبقهٔ کارگر و زحمتکشان- یعنی اکثریت مردم- به‌هیچ‌وجه وجود ندارد.

بار اصلی پیامدهای بسیار دردناک وضعیت فلاکت‌بار اقتصادی کنونی بر شانه‌های طبقهٔ کارگر و طیف وسیع زحمتکشان و تهی‌دستان بوده است. پیامد این وضع را در گسترش و عمیق‌تر شده حرکت‌های صنفی اعتراضی می‌توان دید. پاسخ حکومت ولایی به خواست‌ها و اعتراض‌های طبقهٔ کارگر و دیگر زحمتکشان چیزی بیش از حرکت‌های نمایشی، فریبکاری، و سرکوب نبوده است. این حکومت تا کنون فقط با زورگویی و تزویر (از نوع دینی) و در دست داشتن قدرت بلامنازع سرکوب توانسته است منافع مادّی قشر کوچک حکومتی را با غارت کردن ثروت ملی و پایمال کردن منافع مادّی اکثریت زحمتکش جامعه تأمین کند. اما، پس از خیزش‌های مردمی وسیع دی ۹۶ و آبان ۹۸ و اعتراض‌های مردمی گستردهٔ اخیر با شعار اصلی "زن، زندگی، آزادی"، جامعه و به تبع آن حکومت ولایی وارد شرایط مشخص جدیدی شده است که در آن حکومت در وضعیتی نامتعادل و در هراس دائمی از شعله‌ور شدن اعتراض‌های صنفی و مدنی و اجتماعی، و البته سیاسی، قرار گرفته است.

سخنوری‌های مزوّرانهٔ خامنه‌ای در دیدار با به‌اصطلاح اعضای "تشکل‌های کارگری"، در روز شنبه ۹ اردیبهشت، یعنی دو روز پیش از روز جهانی کارگر، گویای میزان نگرانی او از گسترش اعتراض‌های صنفی است. در آن نشست، ولی فقیه جمهوری اسلامی نشان داد که واقعاً دیگر جز تکرار تزهات معمول حرف دیگری برای زحمتکشان ندارد. او بار دیگر برای انتساب ریشهٔ تضادهای خطرناک داخلی به خارج کشور و اطمینان خاطر دادن به طرفدارانش گفت: "خوشبختانه در همهٔ قضایای اعتراضی، جامعهٔ کارگری با مرزبندی و اعلام مرزبندی با دشمن و تأکید بر همراهی و رفاقت با نظام نگذاشته است بدخواهان از اعتراض و تجمع سوءاستفاده کنند."

آنچه خامنه‌ای در روز ۹ اردیبهشت به زبان آورد و با خدعه‌گری دینی خواست مواضع دین اسلام در مورد اقتصاد و "ثروت‌آفرینی" را به‌اصطلاح

> ***خامنه‌ای در همان دیدار برای اطمینان خاطر دادن به سرمایه‌داران متصل به هرم قدرت و محافل امپریالیستی، با تأکید بر مواضع ضدّکمونیستی "اسلام سیاسی" و اهمیت "کارآفرینان" (سرمایه‌داران و سرمایه‌گذاران)، گفت: "کارآفرین و کارگر هر دو به یکدیگر احتیاج دارند و برخلاف کمونیست‌ها، که با دروغ و شعارِ بدون عمل به دنبال ایجاد فضای جنگ و تضاد در روابط کار بودند، آنچه موجب تأمین سهم عادلانه در روابط کار می‌شود، انصاف، همراهی، همدلی و ناظر دانستن خدا است."***

روشن کند، در واقع توصیفی مختصر، اما دقیق، از ماهیت و مختصات وضعیت کنونی اقتصادی کشور بود: "باید فرهنگ ثروت‌های بادآورده در کشور متوقف شود... از نگاه اسلام، درآمد باید ناشی از سعی و کار و تلاش باشد؛ بنابراین، پول‌ها و ثروت‌های بادآورده، واسطه‌گری، سوداگری، دلال‌بازی، رشوه، ویژه‌خواری به علت ارتباط با فلان شخص، و رباخواری مخالف منطق قرآنی و دستور پروردگار است." شایان یادآوری است که "نمایندهٔ خدا بر زمین" اخیراً به‌درستی تأکید کرده بود که اقتصاد ایران در زیر سایهٔ حکومت او "اقتصادی نابسامان" و "اقتصادی نامولّد" است.

خامنه‌ای در همان دیدار برای اطمینان خاطر دادن به سرمایه‌داران متصل به هرم قدرت و محافل امپریالیستی، با تأکید بر مواضع ضدّکمونیستی "اسلام سیاسی" و اهمیت "کارآفرینان" (سرمایه‌داران و سرمایه‌گذاران)، گفت: "کارآفرین و کارگر هر دو به یکدیگر احتیاج دارند و برخلاف کمونیست‌ها، که با دروغ و شعارِ بدون عمل به دنبال ایجاد فضای جنگ و تضاد در روابط کار بودند، آنچه موجب تأمین سهم عادلانه در روابط کار می‌شود، انصاف، همراهی، همدلی و ناظر دانستن خدا است."

به‌رغم تبلیغات حکومتی و مجیزگویی‌های خامنه‌ای و رئیسی، و سفرهای رئیسی به کشورهایی مانند سوریه برای گسترش روابط تجاری بین‌المللی(!)، تمام شواهد نشان می‌دهد که در عرصهٔ توسعه و رشد اقتصادی، این خانه از پای‌بست ویران است. دولت ولی فقیه حتی در مورد مسائلی مانند مدیریت کردن تورّم کاملاً ناتوان است و جز لفاظی و آمارسازی هنر دیگری ندارد. برای مثال، سخنگوی دولت هفتهٔ گذشته گفت: "تورّم هنوز هم بالاست و اثر آن را هم در بازار می‌بینیم، اما سیاست دولت نشان می‌دهد که در مسیر مهار تورّم در حال حرکت هستیم و باید سرعت آن را افزایش دهیم."

واقعیت آن است که در بهترین حالت، به فرض تخفیف یافتن نسبی تحریم های مالی و اقتصادی آمریکا، و بر فرض اینکه حکومت ولایی با تشدید برنامه‌های نولیبرالی به گمان خودش بتواند موتور رشد اقتصادی را روشن کند، باز هم حرکت اقتصادی-اجتماعی در مسیر منافع زحمتکشان و برآورده شدن مطالبات مادّی طبقهٔ کارگر و دیگر زحمتکشان نخواهد بود. باز هم در بر همین پاشنه خواهد چرخید، زیرا که در این "نظام" معیوب و ارتجاعی، زحمتکشان باز هم مجبورند در "بازار کار انعطاف‌پذیر" با تحمل کردن وخامت وضعیت معیشتی (ریاضت‌کشی)، در شرایط تورّم بالا و با مشاغل بی‌ثبات، در کنار آثار زیان‌بار تخریب و آلودگی محیط‌زیست، بدون کوچک‌ترین اعتراضی برای "حفظ نظام" تن به استثمار دهند. پاسخ صولت مرتضوی، وزیر کار، در روز ۱۲ اردیبهشت، به این سؤال که "آیا با حقوق کارگری می‌توان زندگی کرد"، نشان‌دهندهٔ دیدگاه واقعی حکومت ولایی دربارهٔ منافع طبقهٔ کارگر و دیگر زحمتکشان است. او گفت: "سخت است، اما با قناعت می‌شود."

مشخص است که رژیم، در راه تداوم حاکمیت ولایت فقیه، ضمن رفع هر مانع و کنار زدن هر گونه مخالفت با این شیوهٔ رشد اقتصادی و تحمیل کردن ریاضت و "قناعت" بر طبقهٔ کارگر و دیگر زحمتکشان، هر نوع صدای واقعی آزادی‌خواهی و اعتراض را نیز خفه می‌کند. این روشی معمول است که سپاه و دیگر دستگاه‌های امنیتی-رسانه‌یی و سرکوب هر کدام در اجرای آن نقش خاصی به عهده دارند. این همان نوع شیوهٔ حکومت‌داری ضرور برای ایجاد رشد اقتصادی و "ثروت‌آفرینی خصوصی" مورد نظر اقتصاددانان راستگرایی مانند فردریش فون هایک است. بنا بر نظریات او و میلتون فریدمن بود که اولین "جراحی اقتصادی" با کاربست الگوی نولیبرالیسم اقتصادی در شیلی در زیر سایهٔ دیکتاتوری پینوشه در دههٔ هفتاد میلادی به کمک محافل امپریالیستی آمریکا و بریتانیا اجرا شد. گفتنی است که افرادی مانند موسی غنی‌نژاد و شماری دیگر از سران و کارگزاران حکومتی از طرفداران دوآتشهٔ نظریات ضدّانسانی فردریش هایک هستند که به‌شدت مخالف مقولهٔ عدالت

ادامه در صفحهٔ ۱۵

ادامهٔ کارزار حزب تودهٔ ایران در روز جهانی کارگر ...

نیز به‌نمایش گذاشتند.

توده‌ای‌ها با شرکت در مراسم و جشن‌های روز جهانی کارگر با برپایی غرفه‌هایی برای، گردهمایی‌های مختلف، میز کتاب، و راهپیمایی، سیاست‌های جمهوری اسلامی ازجمله سرکوب و بازداشت و زندانی کردن کارگران، فعالان سندیکایی، زنان، دانشجویان، و جوانان افشا کردند و بر اهمیت ابراز همبستگی حزب‌ها و نیروهای کمونیست، چپ و ترقی‌خواه و اتحادیه‌های کارگری با جنبش مردمی جاری در میهن‌مان تأکید کردند. این کارزارها که با استقبال روبرو شدند بخشی از پیکار حزب ما در جلب همبستگی بین‌المللی نیروهای ترقی‌خواه و دمکرات جهان با مبارزه مردم ایران علیه دیکتاتوری حاکم و مداخله‌های امپریالیسم بوده است. از این کارزارها در روز جهانی کارگر گزارش‌هایی کوتاه در زیر به خوانندگان "نامهٔ مردم" داده می‌شود.

آلمان:

برلین - راهپیمایی سنتی اول ماه مه امسال از میدان سازمان ملل متحد شروع شد. احزاب، سندیکاها و تشکل های مختلف با حمل پلاکاردهایی که در ان خواست زحمتکشان و همچنین مخالفت

با سیاست های آلمان مخصوصا در رابطه با جنگ اوکراین، محیط زیست و تورم بالا بود. موج خروشان شرکت کنندگان در صفوف فشرده و همدل با پلاکاردهای مختلف و با حضور جوانان و زنان و مردان مصمم همراه با خواندن سرودهای انقلابی بسیار تاثیر گذار و تجسم شعار امسال راهپیایی اول ماه مه »همبستگی خلل ناپذیر «بود. امسال هم رفقا و هواداران حزب توده ایران همچون سال های قبل در راه پیمایی سنتی اول ماه مه با حمل پلاکاردهایی با شعار »خجسته باد اول ماه مه «و... در کنار نیروهای مترقی در برلین شرکت کردند. این راهپیمایی تا میدان الکساندر روبروی روتز راتهاوس، شهرداری قرمز، ادامه داشت. در این میدان غرفه های مختلف با برپایی میز کتاب مشغول بحث و گفتگو بودند. میزهای فروش مواد غذایی هم در کنارشان مشغول پذیرایی بودند.

رفقای برلین از صبح زود برای برپایی میز کتاب عازم محل شده بودند. تزیین داخل و بیرون چادر حزب با شعارهای روز بسیار گیرا و جالب بود. چادر با شعارهای: زنده باد اول ماه مه، آزادی همه زندانیان سیاسی، چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است و دیگر شعارهای حزبی تزیین شده بود. عکس رفقای جان باخته حزب، سند زنده‌ای از جنایت‌های رژیم جهل و جنایت، هم در پشت چادر حزب بسیار تاثیرگذار بود.

میز حزب مملو از کتاب های تازه منتشر شده از انتشارات حزب بود. نامه مردم، ویژه نامه اول ماه مه، و همچنین اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران به مناسبت اول ماه مه، به زبان های فارسی و آلمانی در اختیار بازدیدکنندگان از میز گذاشته می شد. رفقای مسئول میز با خوشرویی از مراجعه کنندگان استقبال می‌کردند و به سوال‌های آنها جواب می‌دادند.

چادر حزب همانند سال‌های پیشین محل تجمع رفقا، و دوستداران و ایرانیان علاقمند بود.

کلن- اعضا و هواداران حزب در شهر کلن آلمان با برپایی میز کتاب و غرفه حزب حضوری فعال در مراسم روز جهانی کارگر داشتند. در غرفه حزب پلاکادرها و پرچم‌های حزب همراه با شعارهای محوری ازجمله: "باهم به‌سوی تشکیل جبهه واحد ضددیکتاتوری برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی، و برپایی جمهوری ملی و دمکراتیک" تزیین شده بود. شماری زیادی از غرفه حزب دیدن کردند. همچنین رفقای توده‌ای در راهپیمایی اول ماه مه که از سوی سندیکای بزرگ "د.گ.ب" سازمان‌دهی شده بود شرکت کردند. در این راهپیمایی شعارهایی بر ضد ادامهٔ جنگ اوکراین و بر ضد استلاف نظامی "ناتو" داده شد. راهپیمایی امسال بسیار گسترده و باشکوه بود. درجریان راهپیمایی اعلامیه‌های حزب تودهٔ ایران به‌مناسبت اول ماه مه و مبارزه زنان علیه حجاب اجباری به زبان‌های آلمانی و فارسی بین راهپیمایان و پس از آن در محل غرفه حزب بین حاضران توزیع می‌شد. غرفه حزب تودهٔ ایران در شهر کلن منادی جلب همبستگی با مبارزه کارگران و خیزش زن، زندگی آزادی بود.

هامبورگ - بعد از گذشت سه سال پاندمی و محدودیت‌های اعمال‌شده امسال رفقای حزبی در هامبورگ با برپایی میز کتاب حزب و حضور فعال در جشن بزرگداشت روز کارگر، در جلب همبستگی نیروهای مترقی و اتحادیه‌های کارگری این شهر بزرگ با مبارزات کارگران و جنبش زن، زندگی، آزادی فعالیت داشتند. امسال بعد از راهپیمایی یک‌ساعته و تجمع در محل برگزاری مراسم (بارمبک) اعضا و هواداران حزب که از ساعت ۹ صبح اول ماه مه به برپایی میز کتاب حزب شروع کردند. میز کتاب "توده‌اینفو" (اعلامیه‌ها و دیدگاه‌های حزب توده ایران به‌زبان آلمانی) و "نامهٔ مردم"- ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران- نیز اعلامیهٔ حزب به‌مناسبت روز جهانی کارگر و بیانیهٔ حزب تودهٔ ایران درخصوص طرد "حجاب اجباری" و محکومیت حمله‌های شیمیایی حکومت به دانش‌آموزان دختر، مدارس و خوابگاه‌های دختران به‌وسیلهٔ مزدوران آتش‌به‌اختیار رژیم به‌زبان فارسی و آلمانی و تازه‌ترین کتاب‌های از چاپ درآمده انتشارات حزب را شامل می‌شد. در کنار میز کتاب حزب پوسترهایی که مضمون و نقش‌هایش سیاست‌های ضد مردمی رژیم ولایت فقیه را افشا می‌کرد و از خیزش اعتراضی مردم (جنبش زن، زندگی، آزادی)، آزادی زندانیان سیاسی، عقیدتی، و فعالان کارگری، کارزارهای اعتراضی، و اعتصابات کارگران حمایت می‌کرد در معرض مشاهده قرار می‌داد همچنین نقض آشکار حقوق و آزادی‌های زنان میهن‌مان، حمله‌های شیمیایی رژیم به دانش‌آموزان دختر را محکوم می‌کرد. کتاب‌ها و پوسترهای میز کتاب حزب تودهٔ ایران در هامبورگ با استقبال دیدار کنندگان روبرو شد.

فرانکفورت - امسال نیز اعضا و هواداران حزب توده ایران در فرانکفورت در کنار هزاران آلمانی و خارجی مقیم آلمان همچون سال‌های گذشته در جشن اول ماه مه، جشن کارگران و زحمتکشان جهان شرکت داشتند. میز حزب توده ایران که در کنار میز رفقای حزب کمونیست آلمان قرار داشت، پر از کتاب‌های حزبی و نشریه‌های »نامه مردم «و «Tudeh-Info»بود و با شعارهای اساسی حزب و خواسته‌های اصلی کارگران و زحمتکشان ایران مزین شده بود. در این روز شمار زیادی از ایرانیان از میز حزب بازدید کردند و برخی از آنان نیز خریدار کتاب‌های حزبی بودند. نسخه‌های متعددی از نشریهٔ Tudeh Info-در میان آلمانی‌ها توزیع شد و رفقای توده‌ای ضمن پاسخ دادن به برخی پرسش‌های رفقای آلمانی آن‌ها را در جریان آخرین تحولات ایران قرار می‌دادند. رفقا در این روز تلاش کردند تا صدای کارگران و زحمتکشان مردم ایران باشند و روز موفقی را پشت سر نهادند.

آمریکا:

هواداران حزب تودهٔ ایران تعدادی از آفیش‌های مختلف حزب در مورد جنبش "زن، زندگی، آزادی" را به‌صورت پوسترهایی درآورده و در تظاهرات بزرگداشت روز کارگر در اول ماه مه بین هم‌میهنان شرکت‌کننده در بزرگداشت توزیع کردند. در برنامهٔ "اول ماه مه"ای که به‌ابتکار نیروهای چپ و "حزب کمونیست امریکا" در "میدان واشنگتن" (Washington Square)در شهر نیویورک برگزار شد، رفقای حزبی شرکت فعال داشتند. بخش اول این برنامه سخنرانی نمایندگان حزب‌های چپ‌گرا در میدان بود. بعد از سخنرانی‌ها، برنامه اول ماه مه با یک راهپیمایی ادامه یافت. رفقای ما نیز بخشی از شرکت‌کنندگان پرشمار اعضا و هواداران حزب برادر، حزب کمونیست امریکا، در هر دو بخش برنامه آن روز بودند. در حاشیه سخنرانی‌ها، رفقای ما تراکت‌ها و آفیش‌های حزبی را بین شرکت‌کنندگان به‌خصوص اعضا و هواداران حزب کمونیست برادر توزیع کردند

ادامه در صفحهٔ ۸

ادامهٔ کارزار حزب تودهٔ ایران در روز جهانی کارگر ...

و هم‌زمان در مورد جنبش مردمی "زن، زندگی، آزادی" به شرکت‌کنندگان به‌طورمفصل توضیح دادند. هم‌چنین در خصوص یورش نیروهای امنیتی به مبارزان جنبش از اسیدپاشی سالیان قبل و شلیک گلوله‌های ساچمه‌ای از نزدیک به مردم در جنبش مردمی جاری گرفته تا یورش بی‌سابقه پنج ماه اخیر به جنبش با مسموم کردن هزاران دانش‌آموز مدارس دخترانه و خوابگاه‌های دانشجویی دخترانه نظرات و سیاست حزب را مطرح کردند. رفقا در مورد اعتصاب‌های گسترده کارگران از اول اردیبهشت‌ماه در تمام عرصه‌های نفت، گاز، پتروشیمی، فولاد، معادن، و جز این‌ها، تحلیل و ارزیابی‌های حزب را به‌طورمفصل به شرکت کنندگان در تظاهرات توضیح دادند. شرکت‌کنندگان در تظاهرات با ابراز همبستگی با کارگران ایران، موفقیت جنبش مردمی و اعتصاب کارگران در مبارزه‌شان را آرزو کردند.

اتریش:

هواداران حزب تودهٔ ایران در اتریش امسال نیز مانند هر سال در روز اول ماه مه در برنامهٔ بزرگداشت روز جهانی کارگران که از سوی حزب کمونیست اتریش برگزار می شود شرکت کردند. این برنامه هر سال با راه‌پیمایی از کنار تندیس های یادبود قربانیان فاشیسم در میدان آلبرتینا، در بخش یک شهر وین، در ساعت ده و نیم صبح آغاز و سپس با گردهمایی و سخنرانی در برابر پارلمان اتریش، نزدیک به ساعت دوازده‌ونیم نیم روز به‌پایان رسید. از آن روی که حزب کمونیست اتریش در انتخابات استان سالزبورگ در تاریخ ۲۳ آوریل/ ۳ اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۲ از موفقیتی چشمگیر برخوردار شد، روحیه مثبت و نگاهی امیدوارانه نسبت به آینده در میان رفقای حزب کمونیست اتریش بسیار نمایان بود. در راه پیمایی و گردهمایی حزب کمونیست اتریش در این روز حضور چشمگیر جوانان و شرکت فعال آنان در برگزاری برنامه و سخنرانی ها نیز بسیار خوشحال کننده بود. رفقای توده‌ای امسال نیز در برابر پارلمان اتریش با برپایی میز کتاب، و پخش ده ها اعلامیه به زبان های فارسی و آلمانی ("توده اینفو") نقشی پررنگ داشتند. در اثر پشتکار رفقای توده ای هم‌اکنون سال هاست که محل برگزاری میز کتاب حزب در روز اول ماه مه در شهر وین در جلو پارلمان، به محل گردهمایی ده ها تن از ایرانیان ساکن اتریش تبدیل شده است.

در این روز بازدیدکنندگان گوناگون، شهروندان اتریشی و به‌ویژه ده ها تن از هم میهنان ایرانی، رفقای عراقی و افغانستانی از میز کتاب حزب ما بازدید کردند، کتاب و نشریه خریدند ودرخلال بحث ها و گفتگوهای دوستانه با رفقای توده ای با دیدگاه های حزب‌مان پیرامون مسائل ایران و جهان آشنا شدند. بازدیدکنندگان به‌ویژه پیرامون وضعیت کنونی ایران و چشم‌انداز جنبش "زن، زندگی، آزادی" با رفقای توده ای به گفتگو و بحث پرداختند. رفقا در اطراف میز و بر روی نرده های قرار گرفته بر روی پله های پارلمان چندین شعار از جمله "آزادی برای زندانیان سیاسی و عقیدتی در ایران" به‌زبان های فارسی و آلمانی نصب کرده بودند. گذشته از آن، هواداران حزب در اتریش به‌انگیزهٔ روز همبستگی جهانی با کارگران، در بعدازظهر این روز، از ساعت سه تا شش نشستی ویژه برای گفتگو و هم اندیشی پیرامون وضعیت کنونی و چشم انداز خیزش اعتراضی "زن، زندگی، آزادی" در ساختمان مرکزی حزب کمونیست اتریش برگزار کردند. در این نشست ازجمله پیرامون جنبش کارگری ایران، وضعیت کارگران رسمی، قراردادی، و پروژه ای در صنعت نفت ایران و همچنین مبارزهٔ دلیرانهٔ زنان، فرهنگیان، و دانشجویان گفتگو و تبادل نظر شد.

نروژ :

اعضا و هواداران حزب روز جهانی کارگر را با حضور فعال در شهر اسلو با توضیح سیاست‌های حکومت جمهوری اسلامی و جلب همبستگی با مبارزات مردم ایران برگزار کردند. صبح روز اول ماه مه، طبق رسم هرسالهٔ حزب کمونیست نروژ، بر مزار جان‌باختگان جنگ جهانی دوم مراسم سخنرانی و شعرخوانی انجام شد که رفقای ما نیز در این مراسم حضور داشتند. بعد از این رسم صبحگاهی بزرگداشت روز کارگر، همگی در میدان مرکزی شهر اسلو گردآمدند و برای راهپیمایی اول ماه

مه که از سوی سندیکاهای کارگری نروژ سازمان‌دهی شده بود آماده شدند. چکیدهٔ اعلامیه اول ماه مه حزب ما که به‌زبان نروژی ترجمه و چاپ شده بود در این میدان توزیع شد. در این تجمع موضع‌گیری‌ها و دیدگاه‌های حزب برای گروهی از هم‌میهنان توضیح داده شد. سخنرانی چند حزب و سندیکا در این محل صورت گرفت و پس از آن راهپیمایی آغاز و بعد از طی مسیر چند خیابان مرکزی راهپیمایی به همین میدان ختم شد. در این راهپیمایی اعضا و هواداران سازمان فدائیان خلق (اکثریت) نیز شرکت داشتند. امسال یکی از شعارهای اصلی تظاهرات اسلو شعار "زن، زندگی، آزادی" بود. بعد از راهپیمایی عمومی بنابه دعوت حزب کمونیست نروژ رفقای ما در دفتر این حزب حضور به‌هم رساندند. در دفتر حزب برادر از سفیران کوبا، ونزوئلا، و نمایندهٔ حزب تودهٔ ایران دعوت به سخنرانی شد. نمایندگان حزب در این جلسه چکیده‌ای از اعلامیه حزب به‌مناسبت روز جهانی کارگر را به‌اطلاع حاضران رساندند. هم‌زمان نمایندهٔ حزب ما از همکاری‌های انترناسیونالیستی حزب کمونیست نروژ با حزب تودهٔ ایران و ابراز همبستگی حزب برادر با جنبش مردمی ایران قدردانی کرد. دراین جلسه چهار ساعته در دفتر حزب کمونیست نروژ رفقای چند حزب برادر کمونیستی و کارگری آشنایی‌ای بیش‌تر با مواضع حزب ما در ارتباط با رژیم ولایت فقیه، چالش‌های رویاروی جنبش مردمی و طبقهٔ کارگر ایران را درخواست کردند که در زمینه‌های این خواست توضیحاتی مفصل دربارهٔ مواضع حزب داده شد.

دانمارک:

در مراسم باشکوه روز جهانی کارگر که در پارک مرکزی شهر کپنهاگ (فله پارک) برگزار شد، اعضا و هواداران حزب حضور فعال داشتند. در محوطه اصلی مراسم غرفهٔ حزب تودهٔ ایران با شعار محوری حزب و پوستر و پلاکادرهایی مانند "کار، نان، مسکن، آزادی"؛ "زن، زندگی، آزادی"؛ "آزادی زندانیان سیاسی"؛ "پیش به‌سوی تدارک و سازماندهی اعتصاب‌های کارگری و اعتصاب عمومی" نظرها را جلب می‌کرد. شماره‌های مختلف "نامهٔ مردم"، "ضمیمهٔ کارگری نامهٔ مردم"، گاهنامهٔ "به‌سوی آینده"، کتاب‌ها و اسناد حزبی روی میز کتاب در معرض مشاهدهٔ دیدار کنندگان از غرفه قرار داشتند. امسال فعالیت تبلیغاتی رفقای حزبی روی جلب همبستگی با مبارزات طبقه کارگر و زحمتکشان، اعتصاب کارگران پروژه‌ای صنعت نفت، مقاومت زنان در برابر حجاب اجباری متمرکز بود. تعداد جوانان ایرانی و خارجی دیدار کننده از غرفه حزب در قیاس با سال‌های گذشته چشمگیر بود. همچنین شمار بسیاری از هم‌میهنان ساکن دانمارک از غرفه حزب دیدار کردند و با سیاست‌های حزب تودهٔ ایران در ارتباط با تحول‌های اخیر کشور آشنا شدند. در مراسم امسال چکیدهٔ اعلامیه کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران به‌مناسبت اول ماه مه به‌زبان دانمارکی بین نیروهای مترقی و انجمن‌های مردمی دانمارک توزیع شد. درجریان مراسم اول ماه مه امسال اعضا و هواداران حزب دیدارهایی متعدد با رفقای "حزب کمونیست در دانمارک"، "حزب کمونیست عراق"، "حزب کمونیست سوریه (متحد) "، "حزب

ادامه در صفحهٔ ۹

ادامهٔ کارزار حزب تودهٔ ایران در روز جهانی کارگر ...

کمونیست یونان"، "انجمن دوستی دانمارک و کوبا"، "انجمن دوستداران ساندینیست‌های نیکاراگوئه"، و همچنین با سندیکاهای کارگری دانمارک ازجمله "اف.۳" و "اف.او" دیدار و تبادل‌نظر داشتند. در این دیدارها رفقای ما ابراز همبستگی بیش‌تر و فعال‌تر نیروهای مترقی با خیزش زن، زندگی، آزادی و اعتصاب‌های کارگری را خواستار گردیدند. استقبال امسال ایرانیان و نیز دانمارکی‌ها از غرفه حزب بسیار گسترده بود.

کانادا:

تورنتو: جشن اول ماه مه، روز جهانی کارگر، در تورنتو کانادا امسال در روز ۲۹ ماه آوریل/ ۹ اردیبهشت‌ماه، در محل سالن اجتماعات اتحادیهٔ "کارگران فولاد متحد کانادا" برگزار شد. امسال و در اولین سال پس از همه‌گیری کرونا، جشن روز کارگر حضوری برگزار شد که به‌همین علت با شوروحالی وصف ناپذیر همراه بود. در سالن اجتماعات شعارهایی در ستایش و حمایت از صلح و بر ضد تحرکات امپریالستی و همچنین با عکس‌های رهبران زنده‌نام و جهانی کمونیسم همچون مارکس، انگلس، لنین، چه گوارا، و فیدل کاسترو جلب نظر می‌کرد. برنامهٔ مراسم با گفتار یکی از رهبران بومیان استان "انتاریو" شروع شد. در این گفتار همگان به صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز با یکدیگر و همچنین با طبیعت دعوت می‌شدند. سرکنسول جمهوری کوبا در تورنتو با تأکید بر اهمیت اول ماه مه و همچنین با تشکر از سازمان‌دهندگان مراسم و تشویق آنان سخنانی کوتاه ایراد کرد. در طول برنامه شاعران، نوازندگان، و خوانندگان، با هنرنمایی‌های‌شان حضار را از احساس الفت با یکدیگر، انسان‌دوستی، و مبارزه برای زندگی‌ای بهتر سرشار می‌کردند.

در زمرهٔ سخنرانی‌های پراهمیت این گردهمایی سخنان "لیز راولی"- رهبر "حزب کمونیست کانادا"- بود. او در سخنرانی‌ای مبسوط به پاره‌ای از مسئله‌های داخلی کانادا و بین‌المللی پرداخت. او سیاست‌های دولت لیبرال کانادا و مداخلهٔ آن را در جنگ اکراین به‌شدت محکوم کرد و گفت زمانی که کشور در بحران اقتصادی‌ای عمیق به‌سر می‌برد جایی برای پرداخت‌های ده‌ها میلیون دلاری به اکراین وجود ندارد. او همچنین سرکوب مردم مبارز فلسطین از سوی اسراییل را به‌شدت محکوم کرد. او در زمینهٔ مسئله‌های داخلی نیز سیاست‌های مختلف ازجمله طرح خصوصی‌سازی درمان همگانی از سوی حزب حاکم لیبرال را محکوم کرد.

نماینده حزب تودهٔ ایران- واحد کانادا- نیز یکی از سخنرانان این گردهمایی بود. او در سخنانی به مسئله نقش بنیادهای اقتصادی رژیم و سیاست‌های آن پرداخت و اظهار داشت که این بنیادها حیطهٔ وسیعی در اقتصاد ایران را اشغال می‌کنند. هیچ کدام از ارگان‌های رسمی کشور امکان بازرسی عملکرد بنیادها را ندارند. نماینده واحد حزبی کانادا در ادامه به سیاست‌های نولیبرالی و اجرای آن‌ها از طرف حاکمیت ایران پرداخت و اظهار داشت که اجرایی کردن این سیاست‌ها از طرف بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول به ایران دیکته شده است. سپس به مبارزه کارگران و به‌خصوص به اعتصابات کارگری اشاره شد و ایشان چنین اظهار کرد که کارگران در مبارزات خود خواهان بالا رفتن دستمزدها، شرایط بهتر زندگی، و همچنین امنیت شغلی و پایان دادن به خصوصی‌سازی‌ها هستند. او سپس درباره جنبش زن، زندگی، آزادی و سرکوب آن از سوی رژیم دیکتاتوری و اینکه این جنبش در مقام جنبشی مردمی از بطن وضعیت حاکم بر ایران روییده است، گفت اخیراً طبقه کارگر ایران نقشی مهم‌تر را در این جنبش به‌عهده گرفته است که از رادیکالیزه شدن جنبش زن، زندگی، آزادی نشان دارد.

از بخش‌های مهم دیگر برنامهٔ این مراسم، شعرخوانی خانم میثم قانی، شاعر فلسطینی، بود. مضمون شعرهای میثم قانی مبارزهٔ فلسطینی‌ها علیه نیروهای سرکوبگر اسرائیلی و آرزوی برپایی کشوری فلسطینی بودند. در پایان مراسم سرود انترناسیونال پخش شد که حضار با خواندن متن شعر به زبان‌های خودشان با آن همراهی کردند.

ونکوور: رفقای توده‌ای ونکوور به‌اتفاق رفقای حزب کمونیست کانادا در روز یکشنبه ۳۰ ماه آوریل/ ۱۰ اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۲ برای برگزاری جشن اول ماه مه در محل برگزاری جشن در خیابان کامرشیال ونکوور حضور به‌هم رساندند. در این جشن سازمان‌های مترقی چپ و نیز اتحادیه‌های کارگری از طریق نصب چادر و گذاشتن میز کتاب و توزیع اعلامیه با شرکت‌کنندگان در جشن وارد گفتگو می‌شدند. رفقای توده‌ای نیز با چاپ اعلامیه حزب تودهٔ ایران به‌زبان انگلیسی و پوستر اول ماه مه حزب در غرفه‌ای که به‌همت رفقای کمونیست کانادایی برپا شده بود گردهم آمده و در میزی مشترک اعلامیه‌های حزب تودهٔ ایران را در معرض دید دیدار کنندگان قرار دادند. در مدت زمان جریان جشن افراد مختلفی از غرفه و میز حزب دیدن کردند و برخی از ایشان در بحث با رفقای توده‌ای از دیدگاه‌های حزب نسبت به جنبش زن، زندگی، آزادی آگاهی یافتند. همچنین در غرفه حزب دربارهٔ مسئله‌های مرتبط با جنبش و نحوهٔ گسترش آن با برخی از هموطنان امکان بحث و بررسی به‌وجود آمد. این گفتگوها در محیطی رفیقانه و گرم صورت پذیرفت. هم‌زمان آوای موسیقی جاز گروه موسیقی‌ای که از طرف یکی از اتحادیه‌های کارگری در محل جشن اجرا می‌شد شوری ویژه در مراسم برمی‌انگیخت. در پایان مراسم، رفقای توده‌ای با تجدید همبستگی با رفقای حزب کمونیست کانادا بر ادامهٔ رزم مشترک و همبستگی با جنبش مردمی زن، زندگی، آزادی در میهن‌مان تأکید کردند.

بلژیک:

قدرتمند ترین سندیکای کارگری بلژیک به‌نام "ف.ژ.ت.ب" امسال نیز مانند سال‌های گذشته جشن اول ماه مه را در بروکسل، در پارکی زیبا نزدیکی مرکز شهر، تدارک دیده بود. جشن اول ماه مه در شرایطی در بلژیک برگزار می‌شد که کارگران یکی از فروشگاه‌های زنجیره‌ای بزرگ مواد غذایی وسندیکای آنان در برابر مدیریت و سهامداران یک شرکت بلژیکی- هلندی که دادن امتیاز این شرکت به شرکت‌هایی کوچک‌تر را خواستار هستند، حدود ۲ ماه مقاومت می‌کنند. کارگران و کارکنان این فروشگاه‌ها تلاش می‌کنند با ادامه اعتصاب و با استفاده از روش‌های مختلف اعتراضی در برابر سیاست ضد کارگری مدیران این شرکت از حقوق خود دفاع کنند. برپایی ده‌ها غرفه کوچک و بزرگ و شرکت ده‌ها حزب و سازمان مترقی و دمکراتیک و همچنین گروه‌های هنری، فرهنگی، مدنی، و محیط زیستی در جشن بزرگداشت اول ماه مه نشان دهندهٔ اهمیت آن و نقشی است که یادمان این روز در ابراز همبستگی انترناسیونالیسم پرولتری با مبارزهٔ کارگران و زحمتکشان دارد. اعضا و هواداران حزب تودهٔ ایران نیز در این مراسم حضور فعال داشتند.

در مراسم پرشکوه امسال تشکل‌های ایرانی‌ای مختلف نظیر "جمهوری‌خواهان سکولار و دمکرات ایران در بلژیک" با گرایش‌های مختلف سیاسی و همچنین گروه "زن، زندگی، آزادی" با گرفتن غرفه‌هایی جداگانه، شرکت کرده بودند. در درون وبیرون غرفه‌ها مانند غرفه متعلق به "جمهوری‌خواهان سکولار و دمکرات ایران در بلژیک" نصب پلاکاردهای بزرگ "زندانیان سیاسی آزاد باید گردند" و "زن، زندگی، آزادی" و پوسترهایی در دفاع از جنبش اجتماعی در ایران و دفاع از حق اعتراض و تظاهرات، ایجاد سندیکاهای آزاد و مستقل، مطالبه آزادی بی‌درنگ فعالان سیاسی سندیکایی ،صنفی، مدنی، حقوق بشری، و محیط زیستی به‌زبان فرانسوی و فارسی جلب توجه می‌کرد. بیانیه‌هایی نیز به فارسی و فرانسوی در مورد وضعیت کنونی جنبش اجتماعی کشور و سرکوب خشن اعتراض‌ها و مطالبه‌های آزادی‌خواهانه و عدالت‌جویانه مردم از سوی حکومت ولایی تهیه شده بود که به‌شکلی گسترده بین حاضرین در جشن پخش شد. همچنین اعتراض نامه‌ای به زبان فرانسه در محکوم کردن جنایات رژیم و سرکوب خشن و بی‌رحمانه جنبش "زن، زندگی، آزادی "برای ارسال به سفارت جمهوری اسلامی در بلژیک آماده شده بود که صدها تن آن را امضا کردند.

ادامه در صفحهٔ ۱۰

ادامهٔ کارزار حزب تودهٔ ایران در روز جهانی کارگر ...

انگلستان:
مراسم روز جهانی کارگر در لندن

با توجه به اینکه در ماه‌های اخیر انگلستان شاهد رشد بی‌سابقه اعتصاب‌های طولانی و هماهنگ کارگری در صنایع مختلف و بخش‌های خدمات بوده است، مراسم امسال روز جهانی کارگر در اول ماه مه در این کشور با شکوه بیشتری برگزار شد. در گردهمایی‌ها و راهپیمایی‌های اول ماه مه در لندن و اکثر شهرهای بزرگ و ازجمله چسترفیلد، کاونتری، منچستر، بیرمنگام، نیوکاسل، بریستول، و جز این‌ها، برگزار شد ده ها هزار فعال کارگری و سندیکالیست شرکت جستند. اعضا و هواداران حزب تودهٔ ایران در این مراسم و ازجمله در لندن و منچستر به‌طورفعال در کنار فعالان کارگری انگلیسی و ملیت‌های دیگر مانند شهروندان هندی، بنگلادشی، قبرسی، عراقی، ترک، و کُرد مقیم لندن شرکت کردند و مبارزه با سودجویی شرکتی، استعمار نو، و راست افراطی جان گرفته در این کشور را خواستار شدند. طیف رنگارنگی از فعالان سیاسی ایرانی مانند اعضا و هواداران سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، راه کارگر، چریک‌های فدائی خلق، و جز این‌ها، نیز با پرچم‌ها و پلاکاردهای‌شان بین شرکت کنندگان مراسم اول ماه مه در لندن حضور داشتند. رفقای حزب تودهٔ ایران درحالی که بَنری در ارتباط با شعار محوری مصوب کنگره هفتم حزب درضرورت گرد آمدن نیروهای سیاسی ملی و دموکراتیک برای "تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی، و برپایی جمهوری ملی و دموکراتیک" و حمل پلاکاردهایی در ارتباط با حمایت از مبارزه فعالان سندیکایی، خواست آزادی فعالان سندیکایی در ایران و به‌ویژه اسماعیل عبدی، دبیرکل انجمن صنفی معلمان ایران از زندان، و برخورداری از "حق شرکت در فعالیت سندیکایی" همچون "یک حق پایه‌ای انسانی و شهروندی" در کنار و همراه با رفقای انگلیسی، بنگلادشی، عراقی، ترک، و کُرد، در راهپیمایی شرکت داشتند.

در این گردهمایی برخی از رهبران سندیکایی بریتانیا از تریبون اول ماه مه دربارهٔ جنبش اعتصاب‌های کارگری‌ای که از خردادماه ۱۴۰۱ کارفرمایان بخش خصوصی و همچنین بخش خدمات عمومی در این کشور را باچالشی بزرگ و بی‌سابقه مواجه کرده است، سخنرانی کردند.

الکس گوردون، عضو هیئت سیاسی حزب کمونیست بریتانیا و رئیس "اتحادیه کارگری کارگران راه‌آهن، دریانوردی، و حمل‌ونقل"، در سخنرانی خود در ابتدای راه‌پیمایی در مقابل کتابخانه یادبود مارکس خطاب به جمعیت پرشمار شرکت کننده در مراسم بزرگداشت روز اول ماه مه گفت: کارگران باید "با هدف‌هایی که اجداد و پیشینیان‌شان برای آن مبارزه کرده‌اند تجدید عهد کنند."

میک لینچ، دبیرکل اتحادیه کارگران "راه‌آهن، دریانوردی، و حمل‌ونقل" در سخنرانی‌اش در میدان ترافالگار گفت: دیدن چنین طیفی متنوع از مردم برای بزرگداشت روز ما [اول ماه مه] بسیار عالی است. او با اشاره به مراسم تاج‌گذاری چارلز ویندزور که قرار بود در ششم ماه مه برگزار شود ، گفت: صحبت های زیادی در مورد یک روز بزرگ [از سوی محفل‌های دولتی] به‌راه افتاده است، اما این روز [اول ماه مه] به تاریخ و فرهنگ ما مربوط است: مردم زحمتکش جهان، مردمی که همه ثروت را تولید می‌کنند که این افراد ثروتمند بتوانند در رفاه افسانه ای زندگی کنند. "این وضعیت باید تغییر کند: این هدفی است که جنبش ما با آن رابطه ارگانیک دارد." میک لینچ خواستار اتحاد شد تا طبقه کارگر را به "نیرویی توقف‌ناپذیر" تبدیل کند.

سوئد:
استکهلم – روز دوشنبه، اول ماه‌مه 2023 در شهر استکهلم، پایتخت سوئد، طبق روال معمول هرساله، جشن روز جهانی کارگر با تنوع بسیار برگزارشد. حزب کمونیست سوئد نیز با احزاب برادر مراسم خاص خود را برگزار کردند. یک مراسم مشترک نیز همه ساله به دعوت واحد استکهلم سازمان چتری اتحادیه‌های کارگری سوئد LO، با نمایندگان حزب‌های سوسیال دموکرات ، حزب چپ، حزب کمونیست به‌همراه سازمان جوانان این حزب‌ها، سازمان سندیکالیست‌ها و چند گروه رادیکال و چپ کوچکتر، از ساعت 9 تا 10 و نیم بامداد در پای مجسمهٔ پنجه »لامونا «برگذارشد. مجسمه پنجه سمبولی است که به پاس جانفشانی 500 فعال کمونیست و ترقی‌خواه سوئدی، که داوطلبانه به جبهه‌های جنگ انقلابیون اسپانیایی علیه رژیم فاشیست فرانکو، پیوستند. در این تجمع علاوه بر یادآوری و قدردانی از شجاعت انقلابی این جان‌باخته‌ها، سخنرانی‌های مربوط به سیاست روز سوئد و جهان هر گروه و سازمان و حزبی، قرائت می‌شود. امسال در هوای سرد و بارانی استکهلم، اعضا و هواداران حزب علاوه بر شرکت در مراسم لامونا، در صف مشترک حزب‌های برادر، شرکت فعالی داشتند و بخش‌هایی از اعلامیه کمیتهٔ مرکزی حزبمان را در ارتباط با روز جهانی کارگر به اطلاع حاضرین در مراسم رساندند. رفقای ما بعد از مراسم مشترک، میز کتابی نیز در محل باغ‌شاه استکهلم برقرار کردند. طبق سنت، میزهای کتابی هم به جریان‌های چپ و کمونیست خارجی اختصاص داده می‌شود. میز کتاب ارزشمند حزب با استقبال خوبی از طرف بازدیدکننده‌ها، روبرو شد.

مالمو – اعضا و هواداران حزب توده ایران در شهر مالمو سوئد، در مراسم و راهپیمایی نیروهای کمونیست و چپ در این شهر شرکت کردند. در این مراسم، نماینده حزب کمونیست سوئد در سخنرانی خود، به فشارهای اقتصادی به زحمتکشان سوئد و نیز عواقب زیانبار نزدیکی و همکاری دولت سوئد با نیروهای جنگ طلب ناتو، اشاره کرد. رفقای حزبی به‌طور فعال در راهپیمایی نیروهای چپ که هزاران نفر ازجمله تعداد بسیار زیادی از جوانان حضور داشتند، شرکت کردند.

گوتنبرگ – اول ماه مه امسال در شرایط ویژه‌ای از نظر سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در شهر گوتنبرگ سوئد، برگزار شد. امسال نیز به رسم سالهای گذشته و از همان ساعات اولیه روز، جریانهای سیاسی کمونیست، چپ و مترقی با برپایی چادر و میز کتاب در میدان یرن توریت گوتنبرگ، به استقبال اول ماه مه رفتند. بنا بروال سالهای اخیر، امسال نیز، اعضا و هواداران حزب توده ایران در گوتنبرگ، در همکاری با تشکیلات های حزب کمونیست شیلی، حزب کمونیست عراق، حزب چپ ایران (فداییان خلق) و حزب کمونیست سوئد، در گوتنبرگ و در چارچوب »شبکه برای صلح و عدالت اجتماعی «اقدام به تدارک و برگزاری مشترک جشن اول ماه مه کردند. در بیانیه شبکه به مناسبت اول ماه مه، ضمن برشمردن مسایلی چون پیامدهای مخرب اجرای سیاست های نولیبرالیستی و بحرانهای اقتصادی برزندگی زحمتکشان، درخواست توقف جنگ اکراین و غیره، در رابطه با جنبش مبارزاتی مردم ایران چنین آمده است: »جنبش بزرگی علیه رژیم دیکتاتوری ایران با شعار »زن، زندگی، آزادی «آغاز شده است. زنان، جوانان، دانشجویان، کارگران و سایر گروه های مردمی در این جنبش عظیم حضور دارند. معترضان توسط نیروهای نظامی و شبه نظامی سرکوب می شوند. صدها نفر بشمول تعداد زیادی از زنان و کودکان جان خود را از دست داده اند. تعداد زیادی از معترضان دستگیر و تعداد زیادی زخمی شده اند. ما جنایات رژیم علیه مردم را محکوم می کنیم و خواستار آزادی بی قید و شرط زندانیان هستیم. ما قاطعانه مخالف هرگونه دخالت نیروها و دولت های خارجی در روند تحولات سیاسی درکشور هستیم. ما اعلام می کنیم که حق تعیین سرنوشت و آینده ایران فقط متعلق به مردم ایران و نیروهای ملی و مترقی کشور است. «

ادامهٔ بیانیهٔ مشترک: ما با حزب تودهٔ ایران در ...

شدیم که با کمونیست‌هایی که مورد آزار و اذیت قرار می‌گیرند و استفادهٔ آزادانه از حقوق سیاسی از آنها گرفته می‌شود همبستگی کنیم و در مقابل رژیم‌های دیکتاتوری، سرکوب، و تبعیض در عرصهٔ حقوق و آزادی‌های دموکراتیک بایستیم.

رژیم مذهبی ایران در نخستین یورش در روز ۶ فوریه ۱۹۸۳ [۱۷ بهمن ۱۳۶۱] دبیر کل و اکثریت رفقای رهبری و کادرهای حزب توده ایران را دستگیر کرد آنها را ماه‌ها با روش‌های غیرانسانی شکنجه کرد- که در مواردی به کشته و نقص عضو آنها منجر شد- و آن حزب را غیرقانونی اعلام کرد. حمله به حزب تودهٔ ایران در هماهنگی و همکاری با سازمان‌های امنیتی کشورهای امپریالیستی- به‌ویژه سیا آمریکا، ام‌آی۶ (MI6)بریتانیا- و موساد اسرائیل، و همچنین نیروهای امنیتی پاکستان و ترکیه صورت گرفت.

علت واقعی یورش همه‌جانبهٔ رژیم ایران به حزب تودهٔ ایران آن بود که این حزب با تلاش اسلام‌گرایان برای منحرف و معکوس کردن مسیر انقلاب دموکراتیک ملی ۱۹۷۹ [۱۳۵۷] و پشت کردن به آرمان‌های اجتماعی، اقتصادی، و سیاسی آن مخالفت کرده بود. حزب تودهٔ ایران به حزب توده‌یی طبقهٔ کارگر تبدیل شده بود و در بسیج کردن افکار عمومی بسیار پرطرفدار و مؤثر بود. رژیم از نفوذ حزب تودهٔ ایران به‌ویژه در میان طبقهٔ کارگر می‌ترسید. از این وحشت داشت که این حزب می‌تواند به جایگزینی واقعاً مردمی [برای رژیم حاکم] تبدیل شود که از صلح و پیشرفت حمایت می‌کند.

حزب تودهٔ ایران همچنین با سیاست رژیم اسلامی ایران در ادامه دادن به جنگ برادرکشی میان ایران و عراق، پس از شکست خوردن نیروهای عراقی و بیرون راندن آنها از مرزهای ایران در تابستان ۱۹۸۲، [۱۳۶۱] مخالف بود. حزب تودهٔ ایران معتقد بود که ادامهٔ جنگ سبب ضعیف شدن دو کشور مهم خاورمیانه است و این فقط به نفع کشورهای امپریالیستی خواهد بود.

در واقع، حزب تودهٔ ایران فقط به این علت در معرض وحشیانه‌ترین یورش‌ها قرار گرفت که از شعارهای اساسی انقلاب ۱۹۷۹ [۱۳۵۷] حمایت می‌کرد، علیه جنگ بود، و از صلح و سوسیالیسم حمایت می‌کرد.

اکنون در ایران دیکتاتوری مذهبی بی‌اعتباری حاکم است، اقتصاد کشور ویران شده است، و چیزی از دستاوردهای انقلاب ۱۹۷۹ [۱۳۵۷] باقی نمانده است. این کشور در بحران‌های اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی چندبُعدی گرفتار است. دیکتاتوری حاکم، که نمایندهٔ طبقات بورژوایی تجاری و بوروکراتیک کلان است، با زور و سرکوب وحشیانه جلوی شکل‌گیری جایگزین واقعی مترقی را می‌گیرد.

ما از مبارزهٔ برحق مردم ایران در راه تحقق صلح، حقوق بشر و حقوق دموکراتیک، حاکمیت ملی، و عدالت اجتماعی حمایت می‌کنیم. ما همچنین با هرگونه دخالت امپریالیسم و رژیم‌های ارتجاعی خاورمیانه در امور داخلی ایران قاطعانه مخالفیم. تصمیم‌گیری در مورد مسیر آیندهٔ تحولات سیاسی ایران فقط به عهدهٔ خود مردم ایران است.

۱. حزب کمونیست آفریقای جنوبی
۲. آکل - حزب زحمتکشان مترقی قبرس
۳. حزب کمونیست آلبانی
۴. حزب کمونیست آلمان (DKP)
۵. حزب کمونیست آمریکا (CPUSA)
۶. حزب کارگر اتریش
۷. حزب کمونیست اتریش
۸. حزب کمونیست اردن
۹. حزب کمونیست اسپانیا
۱۰. حزب کمونیست خلق‌های اسپانیا
۱۱. حزب کمونیست کارگران اسپانیا
۱۲. حزب کمونیست استرالیا
۱۳. حزب کمونیست اسرائیل
۱۴. حزب تودهٔ ایران
۱۵. حزب کارگران ایرلند
۱۶. حزب کمونیست ایرلند
۱۷. تریبون دموکراتیک مترقی بحرین
۱۸. حزب کمونیست بریتانیا
۱۹. حزب کمونیست بلژیک
۲۰. حزب کارگران بلژیک
۲۱. حزب کمونیست بنگلادش
۲۲. حزب کمونیست پاکستان
۲۳. حزب کمونیست دانمارک
۲۴. حزب کمونیست در دانمارک
۲۵. حزب کمونیست سوازیلند
۲۶. حزب کمونیست سودان
۲۷. حزب کمونیست سوئد
۲۸. جنبش آزادیبخش خلق سریلانکا
۲۹. کمونیست‌های صربستان
۳۰. حزب کمونیست عراق
۳۱. حزب کمونیست کردستان عراق
۳۲. حزب مردم فلسطین
۳۳. حزب کمونیست فرانسه
۳۴. حزب کمونیست فنلاند
۳۵. کمونیست‌های کاتالونی
۳۶. حزب کمونیست کانادا
۳۷. حزب کارگران سوسیالیست کرواسی
۳۸. حزب کمونیست مالتا
۳۹. حزب کمونیست مصر
۴۰. حزب کمونیست نروژ
۴۱. حزب کمونیست ونزوئلا
۴۲. حزب کمونیست جدید هلند
۴۳. حزب کمونیست هند
۴۴. حزب کمونیست هند (مارکسیست)
۴۵. حزب کمونیست یونان

پیام همبستگی حزب کمونیست پرتغال با حزب تودهٔ ایران

لیسبون، ۲ مه ۲۰۲۳ [۱۲ اردیبهشت ۱۴۰۲]

رفقای عزیز،

چهار دهه از دومین اقدام به غیرقانونی کردن حزب تودهٔ ایران می‌گذرد. سرکوب وحشیانهٔ سال ۱۹۸۲ [۱۳۶۲] رهبری حزب شما و هزاران عضو آن را هدف قرار داد که در جریان آن یورش دستگیر، شکنجه، و اعدام شدند. عقب‌گرد از جنبه‌های مترقی انقلاب دموکراتیک ملی ۱۹۷۹ [۱۳۵۷] و نفوذ فزایندهٔ بخش‌های ارتجاعی‌تر در ساختارهای قدرت ایران با آزار و اذیت ضدّکمونیستی و اِعمال خشونت همراه بود.

در چهل سال گذشته، کمونیست‌های ایران شجاعانه مقاومت کرده‌اند، به مبارزهٔ کارگران، زنان و جوانان ایران یاری رسانده‌اند، و از حاکمیت ملی و استقلال آن کشور در برابر توطئه‌های مداوم امپریالیسم، به‌ویژه امپریالیسم آمریکا، دفاع کرده‌اند. امپریالیسم آمریکا در این مدت همواره کوشیده است میراث مثبت مبارزهٔ ضدّامپریالیستی مردم را که بخشی از انقلاب ۱۹۷۹ بود نابود کند و به‌خاطر سرنگون کردن دیکتاتوری خشن و بی‌رحم شاه، که عامل نخستین اقدام برای ممنوع کردن حزب شما و آزار و اذیت اعضای حزب شما بود، انتقام بگیرد. حزب کمونیست پرتغال با مبارزهٔ کمونیست‌های ایران در دفاع از حقوق و منافع طبقهٔ کارگر و همهٔ اقشار مردمی در ایران، برای احیای حقوق سیاسی حزب تودهٔ ایران، و برای مقابله با تهدیدهای مداوم امپریالیسم و صهیونیسم به تجاوز به کشور شما و جنگ با آن کشور و مردم آن، و نیز مقابله با تهدیدهای مشابه علیه همه کشورها و ملت‌های منطقه، ابراز همبستگی می‌کند.

کارگران و ملت‌ها در دوران دشوار و پیچیده‌ای به سر می‌برند. امپریالیسم آمریکا، با حمایت ناتو و اتحادیهٔ اروپا، استراتژی چندجانبهٔ مداخله، تجاوز، و بی‌ثبات‌سازی را علیه کشورهایی به کار می‌برد که صرف‌نظر از نظام‌های اجتماعی اقتصادی و سیاسی‌شان در برابر برتری سلطه‌جویانهٔ آن تسلیم نمی‌شوند. این **ادامه در صفحهٔ ۱۵**

مشارکت در آب‌های آزاد، راهی برای جلوگیری از وقوع بحران‌های جهانی است!

صدها رودخانه و دریاچه بر روی مرزهای بین‌المللی قرار دارند و کشورها باید متعهد شوند تا این منابع آبی را به‌اشتراک بگذارند!

آلیستر ریو کلارک اظهار می‌کند که کنفرانس اخیر آب سازمان ملل متحد در مورد همکاری بر سر منابع آب گامی مهم است، ولی باید کارهای بیشتری انجام شود.

در جریان کنفرانس آب سازمان ملل که در ساختمان مرکزی این سازمان در تاریخ ۲۲ تا ۲۴ مارس ۲۰۲۳ (برابر با ۲ تا ۴ فروردین‌ماه ۱۴۰۲) در نیویورک برگزار شد و در شرایطی که بحران جهانی آب رو به‌رشد است و تغییرات آب‌وهوایی، آلودگی و افزایش تقاضای آب، چالش‌هایی در برابر پیشرفت و توسعه همه کشورها ایجاد می‌کند، دو کشور جدید به این گردهمایی پیوستند.

نیجریه، ۴۸مین کشوری است که امسال به این پیمان پیوست. این کشور که به‌سرعت درحال رشد است، پرجمعیت‌ترین کشور آفریقا است و به‌طورمستقیم با اثرات بیابان‌زایی روبرو است زیرا دریاچهٔ چاد که یک منبع مهم آب است از سال‌های دهه ۱۹۷۰ / ۱۳۴۰ تا کنون حدود ۹۰ درصد کوچک‌تر شده است. کشور عراق نیز نخستین کشور خاورمیانه است که در سال جاری به این پیمان پیوست. تعداد ۱۹ کشور از ۲۲ کشور عربی کم‌آب هستند و تقریباً همه‌شان مرز مشترک آبی بین‌المللی دارند. عراق به‌دلیل کمبود آب فشارهای اجتماعی، اقتصادی، و سیاسی فزاینده‌ای را تجربه می‌کند.

سلیمان آدامو، وزیر منابع آب نیجریه، گزارش داد: "ما ارزیابی می‌کنیم که حدود ۱۴ میلیون نفر در یکی از فقیرترین مناطق روی کره زمین، جایی که مردم با بیابان زایی و سایر چالش‌های آب‌وهوایی دست‌وپنجه نرم می‌کنند به نحوی تحت تأثیر آن قرار گرفته‌اند. ما نگران هستیم که تا چند دهه دیگر ممکن است دریاچه‌ای باقی نماند. ما واقعاً باید بیدار شویم و با این چالش برخورد کنیم." این بحران همچنین به مراتع نیز انتقال یافته است، زیرا برخی از چراگاه‌های اطراف دریاچه چاد دیگر از بین رفته‌اند. تضاد فزاینده‌ای بین گله‌داران عشایری و کشاورزان ساکن در بخش میانی کشور وجود دارد و مهاجرت به سمت جنوب و زمین هایی با کیفیتی بهتر از نواحی دریاچه چاد، در جریان است. این چالشی بزرگ برای نیجریه است."

بیش از ۶۰ درصد از همه منابع آب شیرین جهان در اشتراک بین دو یا چند کشور است. بنابراین همکاری در استفاده از این آب‌ها برای صلح، توسعه پایدار، و کارزارهای زیست محیطی بسیار مهم است. کنفرانس آب جایگاهی حقوقی و بین دولتی‌ای منحصر به‌فرد دارد که به‌تصویب حدود صد عهدنامه بین کشورها کمک کرده و با جلوگیری از برپایی مناقشه به ایجاد نهادهایی قوی برای مدیریت مشترک آبی کمک کرده است. در اروپا این امر به توافق‌هایی عینی تولید انرژی و بهبود محیط زیست منجر شده است و در سال‌های اخیر شتابی بیشتر برای همکاری به‌وجود آمده است. در آفریقا حدود ۲۰ کشور در جریان پیوستن به این کنوانسیون هستند و علاقه‌مندی فزاینده‌ای نیز هم‌اکنون بین کشورهای آمریکای لاتین و حتی آسیا وجود دارد.

کنوانسیون آب با برجسته کردن موضوع همکاری آب‌های مرزی در سطح جهانی آن را با "سند ۲۰۳۰ یونسکو: اهداف توسعهٔ پایدار" مرتبط ساخت. در این ارتباط به هدف شماره ۶ که یکی از هدف‌های کلیدی است می‌توان اشاره کرد که تصریح می کند: آب تمیز و بهداشت برای همه، که شامل فراخوان برای همکاری در آب های مرزی است. پروفسور آلستر رو کلارک در گزارش خود از کنوانسیون آب در سال جاری چالش‌های در پیش روی تعداد زیادی از کشورهای جهان امروز را برجسته می کند: رودخانه دانوب از آلمان سرچشمه می‌گیرد و پس از حدود ۲٬۸۵۰ کیلومتر و گذر از ۱۰ کشور به دریای سیاه می‌ریزد. اگر آلمان این رودخانه را سد ببندد یا آلوده کند به‌طوربالقوه ۹ کشور دیگر و ازجمله چهار پایتخت را می‌تواند تحت تأثیر قرار دهد. دانوب ممکن است چند ملیتی‌ترین رودخانه جهان باشد، ولی تنها یکی از تعداد حدود ۳۱۰ رودخانه، دریاچه و ۴۶۸ منبع آب زیرزمینی‌ای است که بین دو یا چند کشور به‌طورمشترک قرار دارند.

من اخیراً به یک کنفرانس بزرگ سازمان ملل متحد در نیویورک (نخستین کنفرانسی که پس از ده‌ها سال به آب اختصاص داشت) رفتم تا برای تقویت تعهدات سیاسی در مورد آب‌های مرزی تلاش کنم. این یک موضوع بسیار مهم است، زیرا این منابع آبی مشترک می توانند دلیلی برای کشمکش و همچنین همکاری، توسعه پایدار، و صلح باشند. در جنگ‌هایی مانند اوکراین یا سوریه، زیرساخت‌های آبی مانند پل‌ها یا فاضلاب‌ها بارها به دلیل ارزش استراتژیک‌شان هدف قرار گرفته‌اند. تنش‌ها در آفریقا نیز رو به‌افزایش هستند، زیرا اتیوپی درحال ساختن یک سد بزرگ بر روی رود نیل در بالادست مصر است.

در نشست اخیر شورای وزیران خارجه کشورهای عربی، سامح شکری از کشور مصر، نسبت به "عواقب مهلک برای امنیت ملی مصر" از "اقدام‌های یک‌جانبهٔ اتیوپی در... حوضه‌های آبی مشترک" هشدار داد. برخلاف این وضعیت، همکاری مشترک در مورد مدیریت رودخانه ساوا (طولانی‌ترین رود تغذیه کننده دانوب) از سال ۲۰۰۱ / ۱۳۸۰ به ایجاد صلح و اعتماد بین جمهوری‌های سابق یوگسلاوی منجر شد که کم‌تر از یک دهه پیش مشغول جنگیدن با هم بودند. هنگامی که رودخانه عظیم پارانا (دومین رودخانه بزرگ آمریکای جنوبی) در سال ۲۰۲۱/ ۱۴۰۰ تقریباً خشک شده بود، برزیل، پاراگوئه و آرژانتین توانستند در منابع محدود آب به‌طورمسالمت‌آمیز و پایدار مشترک شوند. چنین نمونه‌های مثبت همکاری با توجه به فشارهای فزاینده‌ای که تغییرات آب‌وهوایی بر منابع آب جهان وارد می‌کند بسیار به‌جا هستند.

طرح‌های دولتی می‌توانند هم مناقشات و هم همکاری را به‌صورت هم‌زمان مدیریت کنند. مجارستان و اسلواکی از سال‌های دهه ۱۹۷۰ / ۱۳۴۰ و دوران اتحاد شوروی، در مورد اجرای پروژه نیروگاه برق سد گابیچیکوو - ناگیماروس بر روی رود دانوب با هم اختلاف طولانی‌مدت داشته‌اند، ولی بااین‌همه، این دو کشور از راه کمیسیون جهانی رودخانه دانوب برای مدیریت آب در سراسر حوضه این رودخانه با یکدیگر همکاری کرده اند. در آسیا نیز نمونه‌هایی از همکاری در مورد رودخانه‌های سند (مشترک بین هند و پاکستان) و رود مکونگ جنوبی (کامبوج، لائوس، ویتنام، و تایلند) حتی در زمانی که این کشورها در حال جنگ با یکدیگر بودند، وجود داشته است.

سازمان‌های حوضه‌های آب به‌عنوان نهادهایی متحد کننده مسئولیت‌هایی فراتر از مدیریت آب را می‌توانند بر عهده گیرند. به‌عنوان مثال، در چارچوب تهدیدهای گروه شبه‌نظامی اسلام‌گرای بوکوحرام کمیسیون حوضه دریاچه چاد نه‌تنها قدرت آن را دارد که آب‌های مشترک را مدیریت کند، بلکه یکپارچگی منطقه‌ای، صلح، امنیت، و پیشرفت را نیز می‌تواند افزایش دهد. بدبختانه چنین ترتیباتی حکومتی به تعداد کافی نیستند. نهادهای سازمان ملل که مسئول نظارت بر پیشرفت این امر هستند می‌گویند تنها ۲۴ کشور همه مناطق مرزی آبی‌شان را زیر پوشش توافقنامه‌های همکاری قرار داده‌اند. وضعیت آب‌های زیرزمینی که تنها تعداد ۸ اداره قانونی مخصوص برای‌شان وجود دارد به ویژه بدتر است. یکی از موضوع‌های کلیدی کنفرانس آب سازمان ملل متحد مسئله همکاری بود که به انجام تعهدهایی بسیار منجر شد. یک ائتلاف تازه تاسیس همکاری آب مرزی می‌تواند کشورها، سازمان‌های بین‌المللی، دانشگاه‌ها، و سازمان‌های غیردولتی را هماهنگ کند.

همچنین چندین کشور ازجمله عراق، نامیبیا، نیجریه، و زامبیا به‌طوررسمی حداقل به یکی از دو کنوانسیون آب سازمان ملل متحد پیوستند یا متعهد شدند که به آن بپیوندند. این‌ها کنوانسیون ۱۹۹۲ / ۱۳۷۱در مورد حفاظت و استفاده از جریان‌های آبی مرزی و دریاچه‌های بین‌المللی و کنوانسیون ۱۹۹۷ / ۱۳۷۶ برای قانون استفاده غیرکشتیرانی از مسیرهای آبی جهانی هستند. بر اساس عرف حقوق بین‌الملل، هر دو کنوانسیون با تعیین اصول اساسی، کشور ها را به همکاری در مورد آب‌های مشترک توانا می‌کنند.

کنوانسیون ۱۹۹۲/ ۱۳۷۱ با چارچوب سازمانی‌اش (که شامل سه نشست سالانه نهادها و گروه‌های مختلف کاری و متخصص است) به‌عنوان یک مجمع جهانی برای تبادل بهترین تجربیات و توسعه راهنمایی‌های مفید و ابزارهای دیگر برای حمایت از همکاری‌های برون مرزی عمل می‌کند. آیا این تعهدات مرحله لازم برای انجام تغییر را فراهم می کنند؟ جواب کوتاه "نه" است. فشارهای جهانی بر آب‌های مرزی به‌دلیل افزایش جمعیت و تقاضا، الگوهای مصرف ناپایدار، تخریب محیط زیست، و از دست دادن تنوع زیستی و تغییرات اقلیمی، نیازمند توجه فوری است.

این که بیش از ۲۰ کشور قول داده‌اند که به یک یا هر دو کنوانسیون آب بپیوندند امری مثبت است. ولی در حال حاضر تنها حدود یک سوم کشورهایی که آب‌های مشترک مرزی دارند عضو یکی از این دو کنوانسیون هستند. کنفرانس آب سازمان ملل در سال ۲۰۲۳ / ۱۴۰۲ به‌عنوان نخستین گام مهم در تضمین تعهد در مورد همکاری آب‌های مرزی می‌تواند شناخته شود، ولی به عملکرد کشورها در ماه‌ها و سال‌های آینده، بستگی زیادی خواهد داشت.

فروپاشی بانک‌ها در ایالات متحده

هیچ چیز اسرارآمیزی در مورد علت سقوط بانک "سیلیکون ولی" و بانک "سیگنیچر" در ایالات متحده وجود ندارد. همچنین هیچ چیز مرموزی در مورد اینکه چرا کل نظام بانکی جهان سرمایه‌داری زیر ذره‌بین قرار گرفته وجود ندارد: هنگامی که بخشی از سیستم بانکی فرو می‌ریزد، بخش‌های دیگر بار دارایی‌های "سمی" را که چیزی جز بدهی‌های آن نیست، به‌دوش می‌کشند. سپس سایر بخش‌های سیستم یکی پس از دیگری با فروپاشی‌ای "دومینو وار" روبرو می‌شوند. پرسش واقعی این است که چگونه سرمایه‌داری ایالات متحده دچار وضعیتی شد که سیستم بانکی‌اش در زیر فشار و تنگنایی شدید قرار گرفت؟ از آنجایی که فروپاشی این بانک‌ها، به‌ویژه بانک سیلیکون ولی، نه پدیده‌ای داخلی بلکه بازتاب تضادی قانون‌مند است به‌طوردقیق باید بدانیم این تضاد چیست؟

عامل عمدهٔ بدیهی در پس فروپاشی هر دو بانک افزایش نرخ بهره است. با این حال، ما در اینجا تنها به مورد بانک سیلیوکون ولی می‌پردازیم، زیرا این مورد قانون‌مندی تضاد را به‌روشنی می‌نمایاند. اما بانک سیگنیچر، چون با رمزارزها که به‌شدت ناپایدارند سروکار داشت موردی نامتعارف به‌شمار می‌رود. هر افزایشی در نرخ‌های بهره بر کاهش قیمت اوراق قرضه اثری مستقیم می‌گذارد. به‌زبان ساده، قیمت اوراق قرضه جمع جریان درآمدهای اوراق در بازهٔ زمانی عمر آن به‌اهتمام نرخ بهره روز است. حال اگر نرخ بهره افزایش یابد، همان جریان اسمی درآمد، قیمتی کم‌تر برای اوراق به‌همراه دارد. در حال حاضر، همه بانک‌ها دارای‌های‌شان را در شکل‌هایی گوناگون نگه می‌دارند که بخشی مهم از آن‌ها را اوراق قرضه تشکیل می‌دهند. بدین‌ترتیب افزایش نرخ بهره با کاهش قیمت اوراق قرضه، ارزش دارایی‌های بانک را نسبت به بدهی‌هایش کاهش می‌دهد و سرانجام بانک را در تنگنا قرار می‌دهد.

هر کوششی از سوی بانک برای رهایی از این تنگنا به‌معنای اعلام آشکار این بانک به جهان است که در تنگنا قرار گرفته و مردم از سپردن کار بانکی به آن دست بکشند. در این وضعیت ارزش سهام آن کاهش می‌یابد و این به‌نوبه خود سپرده‌گذاران را سراسیمه کرده و به بیرون کشیدن پول و بستن حساب‌های بانکی وامی‌دارد. این همان چیزی است که بانک را به‌سوی فروپاشی سوق می‌دهد. نکته‌ای که به آن باید توجه داشت این است که وقتی بانکی با چنین تنشی روبرو می‌شود صرف‌نظر از دست زدن به هر اقدامی، چشم‌اندازی ناروشن در پیش روی خود خواهد داشت: اگر هیچ کوششی برای چاره‌جویی نکند درواقع مسیر فروپاشی را برگزیده است. و اگر به برخی اقدام‌های اصلاحی دست بزند، در این مسیر هم به‌احتمال زیاد کارش ناگزیر به فروپاشی می‌انجامد. بنابراین فروپاشی بانک در چنین شرایطی را تنها به‌دلیل خطاها و سهل‌انگاری بانک نمی‌توان دانست، بلکه با عامل‌های کلان اقتصادی‌ای برون از آن باید توضیح داده شود.

استدلال بالا ممکن است این برداشت را متبادر به‌ذهن کند که هر افزایشی در نرخ بهره به فروپاشی بانک می‌انجامد، در حالی که بدیهی است که این نگرش درست نیست. تغییرهای نرخ بهره که از سوی بانک مرکزی انجام می‌گیرد اغلب به‌صورت تغییرهایی جزیی در حاشیه سود پیش می‌آید و در صورت افزایش اندک نرخ بهره، فشار بر بانک‌ها مدیریت‌پذیر است. بانک‌ها می‌توانند این فشار را بدون ایجاد سراسیمگی زیاد در "بازار" مدیریت کنند. اما هنگامی که نرخ بهرهٔ مصوب بانک مرکزی ناگهان با درصدی بالا افزایش می‌یابد آنگاه بانک‌ها فرصت مدیریت ناهم‌ترازی دارایی‌ها و بدهی‌شان را به‌شیوه‌ای آسوده و منظم از دست می‌دهند. به‌تازگی نرخ بهره در ایالات متحده به‌میزان توجه‌برانگیزی افزایش یافته است. نرخ بهره بانک مرکزی از ۰/۲۵ درصد در بهمن‌ماه سال ۱۴۰۰ به ۴/۷۵ درصد در بهمن‌ماه ۱۴۰۱ افزایش یافت. این افزایش کلان در چنین بازهٔ زمانی‌ای کوتاه، مدیریت ترازنامه‌ها را برای بانک‌ها ناممکن می‌سازد. بنابراین پرسش واقعی این است: چرا کارگزاران فدرال رزرو (که بانک مرکزی ایالات متحده است) نرخ‌های بهره را به‌این شیوه افزایش داده است؟

پاسخ ساده این است: زیر سلطه نولیبرالیسم تنها سلاح موجود برای دخالت دولت در اقتصاد سیاست‌های پولی است. سیاست‌های مالی (سیاست مالی از دو ابزار درآمد دولت یعنی مالیات و هزینه‌های دولت برای تأثیرگذاری در اقتصاد استفاده می‌کند) که برای مدت طولانی‌ای پس از جنگ جهانی دوم ابزار اصلی دخالت در امور کشورهای دیگر بود در دوره تسلط نولیبرالیسم رفته‌رفته به‌کنار رانده می‌شود. دولت‌ها در فرایند نولیبرالیسم از سوی سرمایهٔ مالی سیار جهانی واداشته می‌شوند تا برای میزان کسری مالی خود نسبت به تولید ناخالص داخلی سقفی تعیین کنند. و از آنجایی که بستن هرگونه مالیاتی به سرمایه‌داران و به‌طورکلی دارندگان ثروت نکوهش‌بار و منع‌شده (تابو) است چون ناخشنودی سرمایهٔ مالی سیار در سطح جهانی را موجب می‌شود، کوشش برای برانگیختن فعالیت در اقتصاد تنها و تنها به‌شکل کاهش نرخ بهره متبلور می‌شود.

درست است که ایالات متحده قانونی برای "پاسخ‌گویی مالی" ندارد و از نظر قانونی و هم به‌دلیل ترس عملی از گریز مالی (زیرا چنین گریزی از پایگاه امنی مانند ایالات متحده به‌ندرت می‌تواند رخ دهد) برای کنترل کسری مالی خود محدود نیست. اما برای ایالات متحده افزایش کسری مالی به‌قصد رونق فعالیت اقتصادی به‌معنای ایجاد اشتغال در بیرون از مرزهای خود است (زیرا بخش عمده‌ای از هزینه داخلی ایالات متحده به‌شکل تقاضا برای کالاها و خدمات تولید شده در بیرون از کشور به بیرون "نشت می‌کند") و هم‌زمان موجب افزایش بدهی خارجی آن نیز می‌شود. البته ایالات متحده در دوران بیماری همه‌گیر کرونا کسری مالی‌اش را به‌طورکلان افزایش داد، حقیقتی که برخی‌ها تورم کنونی ایالات متحده را به‌آن نسبت می‌دهند. اما این تنها به‌سبب پیدایی بیماری‌ای همه‌گیر امکان‌پذیر شد. پس از فروپاشی حباب مسکن، ابزار اصلی به‌کار رفته برای به‌رونق انداختن فعالیت اقتصادی، پایین آوردن نرخ بهره به سطح‌هایی بسیار پایین و درواقع نزدیک به صفر، راهکاری برای دوره‌ای بسیار طولانی به‌شمار می‌رفت.

حباب مسکن در سال ۱۳۸۷ ترکید. از سال ۱۳۸۷ تا سال ۱۴۰۱ به‌جز وقفه‌ای کوتاه بین سال‌های ۱۳۹۵ و ۱۳۹۹ که نرخ بهره بانک مرکزی در چند مرحله تا حداکثر ۲ درصد افزایش یافت، کم‌وبیش در سطح ۰/۲۵ درصد باقی ماند. چنین بازهٔ زمانی‌ای طولانی اگر چه برای "الیگوپولیست"ها (Oligopolist)یا گردانندگان بازارهای چند قطبی ایالات متحده فرصتی کم‌نظیر برای دسترسی به پول ارزان به‌بار آورد و بدین وسیله خطر افزایش حاشیهٔ سود و قیمت‌ها را به‌دست آنان کاهش داد و بدون تردید به بدتر شدن تورم کنونی افزود، اما هنوز اقتصاد ایالات متحده را به سطح بالایی از اشتغال نزدیک نکرده است. این هم درست است که نرخ رسمی بیکاری در ایالات متحده به پایین‌ترین حد ۴ درصد کاهش یافت، اما به‌طورهم‌زمان در نرخ مشارکت نیروی کار در تولید کاهش یافت، اما با احتساب نرخ بیکاری طی دوران پس از سال ۱۳۸۷ با فرض یکسان ماندن مشارکت نیروی کار در قیاس با سال‌های میانی ۱۳۸۰ سطح این نرخ همچنان بالا مانده بود. و هنگامی که تورم رخ داد نرخ بهره به‌یکباره به‌طرزی سهمگین افزایش یافت. دلیل این نوسان به‌ظاهر نابخردانه در سیاست پولی، یعنی حرکت یویووار یا بالا و پایین رفتن نرخ بهره، در این واقعیت نهفته است که در سرکردگی سرمایهٔ مالی سیار جهانی وجود گزینه‌ای دیگر بسیار ناچیز است. کوتاه سخن، این نامعقولی ظاهری نه برآمد ناشی از هوس‌بازی دولت بلکه به‌سبب سرکردگی سرمایهٔ مالی جهانی پدید می‌آید. پیامد ناگوار چنین نوسان‌هایی دیوانه‌وار از سوی عامل دیگری نیز تشدید می‌گردد. هنگامی که نرخ بهره کاهش و قیمت اوراق قرضه افزایش می‌یابد، چه این نوسان‌ها باعث رونق‌گیری اقتصاد شود یا نه، دست کم هیچ تهدیدی برای نظام بانکی پدید نمی‌آورد. افزایش ارزش دارایی‌های هر بانک به هر صورتی به آن خدشه وارد نمی‌کند. اما هنگامی که نرخ بهره افزایش می‌یابد و قیمت اوراق قرضه کاهش پیدا می‌کند، ارزش دارایی‌های بانک نسبت به ارزش بدهی‌های آن نیز کاهش می‌یابد. این باعث واکنش‌هایی در "بازار" می‌شود که ممکن است توانایی کارآمدی آن را از بین ببرد. این ناهماهنگی میان تأثیر کاهش نرخ بهره بر بانک و تأثیر افزایش آن، به خدشه‌دار شدن فراتر کارکرد نظام بانکی می‌افزاید.

این تنها محدود به نظام بانکی ایالات متحده نیست، بلکه نظام بانکی در سراسر جهان سرمایه‌داری را نیز که در پاسخ به افزایش شدید نرخ بهره و مهار تورم به چنین راهکاری روی می‌آورد را دربر می‌گیرد. حتا بانک معروفی مانند"کردیت سویس" (Credit Suisse)نیز چندی پیش با ریزش ارزش سهام خود روبرو شد و اکنون در مسیر ادغام با بانک رقیب یعنی "یو بی اس" (UBS)قرار گرفته است.

از همه مهم‌تر، تهدیدی که نظام بانکی جهان سرمایه‌داری با آن روبرو است هنوز به‌هیچ‌وجه به سطحی بالا نرسیده است. کارگزاران فدرال رزرو یا بانک مرکزی ایالات متحده برای مهار تورم پیش از فروپاشی قصد داشت نرخ بهره را حتا بیشتر افزایش دهد. شاید اکنون به‌دلیل فروپاشی دو بانک ایالات متحده در این مسیر کُندتر پیش رود. اما از آنجایی که تورم همچنان به‌قوت خود باقی است گزینه دیگری نیست جز افزایش نرخ بهره که در نظام سرمایه‌داری تنها راه مبارزه با تورم ایجاد بیکاری است. در این روزها این سیاست به‌طورمشخص با افزایش نرخ بهره در مرحله پیاده شدن است. درحالی که سرمایه‌داری در بحران دست‌وپا می‌زند، تظاهرات کارگران در سراسر اروپا بن‌بستی که در فرایند پیاده شدن سیاست‌های نولیبرالی خود بسر می‌برد را برجسته‌تر می‌کند.

۷۵ سال پس از تأسیس کشور اسرائیل؛ ۷۵ سال نکبت برای فلسطینی‌ها!

نیروهای مترقی در سراسر جهان و به‌ویژه در فلسطین و کشورهای عربی روز دوشنبه 25 اردیبهشت، در 75مین سالگرد اعلام موجودیت کشور اسرائیل، خشم و اعتراض خود را علیه ادامهٔ بی‌عدالتی تاریخی در حق خلق فلسطین و سیاست‌های خشن و ضدانسانی دولت حاکم در تل‌آویو نشان خواهند داد.

۲۵ سال پیش، یاسر عرفات، رهبر شناخته شدهٔ خلق فلسطین، در اعتراض به سیاست‌های دولت‌های متوالی اسرائیل در نقض خشن قطعنامه‌های متعدد سازمان ملل متحد و قرارداد اسلو و موافقت‌نامه‌های بین‌المللی، ادامه و گسترش اشغال سرزمین‌های کرانهٔ غربی رود اردن، و ادامهٔ اجرای طرح صهیونیستی ایجاد شهرک‌های مسکونی یهودی در مناطق اشغالی، روز 15 ماه مه را روز نکبت اعلام کرد.

حزب تودهٔ ایران در ادامهٔ سیاست اصولی‌اش در همبستگی کامل با خلق فلسطین در راه احقاق حقوق پایمال شدهٔ خود، که اکثریت عظیم مردم جهان و نهادهای بین‌المللی و از جمله سازمان ملل متحد آنها را به رسمیت شناخته شده‌اند، حمایت همه‌جانبهٔ خود را از مبارزهٔ نیروهای ملی، مترقی، و دموکرات فلسطینی برای ایجاد کشور و دولت مستقل فلسطین در مرزهای موجود در قبل از 4 ژوئن 1967 به پایتختی بیت‌المقدس (اورشلیم) شرقی بارها اعلام کرده است. ما به مناسبت روز 15 ماه مه، "روز نکبت"، بار دیگر بر تعهد خود به حمایت از مبارزهٔ برحق خلق فلسطین تا دستیابی به حقوق انسانی خود و ایجاد کشور و دولت مستقل فلسطینی بر طبق قطعنامه‌های سازمان ملل متحد و در همسایگی اسرائیل تأکید می‌کنیم.

در نوشتهٔ زیر که به درخواست حزب تودهٔ ایران تهیه شده است، رفیق دکتر عاقل تغز، دبیر بخش بین‌المللی حزب مردم فلسطین، موضع ترقی‌خواهان فلسطینی را دربارهٔ اشغالگری اسرائیل، وضعیت فلسطینیان، و خواست‌ها و مبارزات آنها توضیح می‌دهد.

*****

امسال اسرائیل هفتاد و پنجمین سالگرد تأسیس خود را جشن خواهد گرفت، در حالی که مردم فلسطین شاهدان دردمند یک سال فاجعه‌بار دیگرند؛ فاجعه‌ای که با سوداگری جنایتکارانهٔ استعمار در میان خاکستر به‌جا مانده از جنگ جهانی اول به راه افتاد و با نقض قوانین بین‌المللی و در انظار همهٔ جهانیان، به تأسیس این حکومت قانون‌شکن در غیاب هر گونه حرکت و مقاومت مؤثر منجر شد!

در پایان جنگ جهانی اول، فاجعهٔ فلسطین با خیانت مقام‌های بریتانیای استعمارگر و سوءاستفادهٔ آشکار آنها از اختیارات واگذار شده پس از جنگ به آنها در تصمیم‌گیری دربارهٔ امیرنشین "فرا اردن" و فلسطین، صدور اعلامیهٔ بالفور، و تسریع مهاجرت یهودیان به سرزمین فلسطین تحت نظارت آنها آغاز شد. باندهای تروریستی صهیونیستی خیلی زود از "اربابان" امپریالیست خود روی برگرداندند و با سازمان‌دهی حملات و قتل‌عام‌های وحشتناک در روستاهای فلسطینی، بخش زیادی از مردم فلسطین را وحشت‌زده و آوارهٔ کشورهای همسایه کردند، جایی که بسیاری از آنها همچنان به‌عنوان پناهجو، بدون تابعیت مشخص، زندگی می‌کنند.

قطعنامهٔ ۱۸۱ سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۷ آشکارا خواستار تشکیل کشور فلسطین در کنار اسرائیل است. با همهٔ اینها، این امر از زمان تأسیس اسرائیل در ۷۵ سال پیش، پیش از همه به علت فعالیت گروه‌های تروریستی صهیونیستی مسلح شده زیر نظارت اشغالگران استعمار بریتانیا و سپس با اعمال نفوذ رژیم‌های عرب ارتجاعی و دست‌نشاندهٔ وفادار استعمار، تا کنون بی‌نتیجه مانده است.

حکومت اسرائیل در زمان تأسیس آن کشور در سال ۱۹۴۸ بیش از نیمی از منطقه‌ای را در اشغال داشت که ظاهراً برای تشکیل کشور فلسطین تعیین شده بود، و سپس بیشتر ساکنان آن مناطق را به زور از آن سرزمین‌ها راند و آواره کرد. بسیاری از این آوارگان فقط توانستند ضروری‌ترین اموال و وسایل خود را، از جمله کلید و اسناد خانه‌هایشان را، با خود ببرند. در خلال "جنگ شش روزه" در ژوئن ۱۹۶۷، اسرائیل مناطق دیگری از فلسطین تاریخی را نیز اشغال کرد و خواست‌ها و حقوق مردم فلسطین را در برپایی کشور مستقل فلسطین و بازگشت همهٔ آوارگان بر اساس قطعنامه‌های سازمان ملل متحد زیر پا گذاشت. در عین حال، یهودیان از سراسر جهان، بدون هیچ ارتباطی با فلسطین و گویی که این سرزمین حق مادرزادی آنهاست، با نادیده گرفتن پیامدهایی که این اشغال برای فلسطینی‌های

سرزمینی داشته است که در سطح بین‌المللی کشور فلسطین به رسمیت شناخته شده است، توانسته‌اند به این مناطق بیایند و در آنها ساکن شوند.

با وجود ده‌ها قطعنامهٔ سازمان‌های بین‌المللی متعدد دربارهٔ فلسطین، اکنون ثابت شده است که سازمان ملل متحد، به نمایندگی جامعهٔ جهانی، به دلیل تسلط قدرت‌های غربی حامی اسرائیل بر این نهاد، قادر به اجرای هیچ‌یک از آن قطعنامه‌ها نیست یا تمایلی به اجرای آنها ندارد. اسرائیل با استفاده از این حمایت‌ها به مصونیّت ظاهراً فراگیری دست یافته است، گویی که به نوعی بیرون از حیطهٔ عمل و اعمال قوانین بین‌المللی قرار دارد. از جملهٔ این قوانین، اصول حقوق بشر و کنوانسیون ژنو است که اسرائیل آنها را به روالی معمول، در عمل مدام نقض می‌کند. علی‌رغم وعده‌های داده شده در پیمان اسلو، که هر دو رهبری فلسطین و اسرائیل در برابر چشمان مردم و افکار عمومی جهان به آن متعهد شدند، اسرائیل تقریباً از همان ابتدا به اجرای مفاد آن توافق تاریخی پایبند نبوده است. این یعنی نبود هرگونه روند یا پیشرفت سیاسی طی این سال‌ها، ادامهٔ بی‌رویّهٔ سیاست جناح‌های مختلف راست‌گرا در دولت‌های متوالی اسرائیل، و بن‌بست پایان‌ناپذیر و اشغال وحشیانه و گسترش‌یابندهٔ سرزمین‌های فلسطینی.

در نوامبر ۲۰۲۲، افراطی‌ترین و نژادپرست‌ترین دولت در تاریخ اشغالگری (و به بیانی حتی دولتی فاشیستی) به قدرت رسید. این دولت متشکل از عناصر نمایندهٔ منافع شهرک‌نشینان افراطی است که خواهان اخراج همهٔ فلسطینی‌ها به زور، تصرف همهٔ زمین‌های آنها، و حتی انکار موجودیت فلسطینی‌ها هستند. این وضعیت حتی سبب شده است که برخی از جریان‌های لیبرال و مترقی در داخل اسرائیل به این نتیجه برسند که دیکتاتوری فاشیستی در حال شکل‌گیری در آن کشور است؛ دیکتاتوری‌ای که ساختار دموکراسی کشور را تهدید می‌کند و بنابراین تهدیدی بسیار واقعی برای خود مردم یهودی است.

علی‌رغم ادامهٔ تظاهرات گسترده علیه این دولت از بدو تشکیل تا کنون، مسئله‌ای که در بین شعارهای این تظاهرات اعتراضی دیده نمی‌شود، اشغالگری اسرائیل و ستم و بی‌عدالتی ناشی از آن در حق فلسطینی‌هاست. به نظر می‌رسد که در اسرائیل توافقی ملی و عمومی در میان شهروندان کلیمی- به استثنای اعضا و هواداران حزب کمونیست و »جبههٔ هداش -«در مورد تداوم اشغالگری، سرکوب فلسطینی‌ها، و مخالفت نکردن با دولت اسرائیل در این امور وجود دارد. این‌گونه است که شاهدیم که وزیر امنیت ملی نتانیاهو خواستار مسلح کردن شهرک‌نشینان غیرقانونی در سرزمین‌های فلسطینی است و آشکارا خواستار کشتار فلسطینی‌ها می‌شود، بدون اینکه با انتقاد یا مخالفت چشمگیری از داخل اسرائیل روبه‌رو شود.

علاوه بر این، وزیر دیگری در این دولت حتی خواستار پاک شدن روستای هواره از نقشه شده است و انبوهی از شهرک‌نشینان مسلح را به حمله به این روستا و سوزاندن خانه‌های آن تشویق کرده است. عدهٔ فزاینده‌ای از این شهرک‌نشینان امروزه بخشی جدایی‌ناپذیر از ارتش اشغالگرند. آنها اقدامات خود را با ارتش هماهنگ می‌کنند و اغلب، از جمله در حمله‌های مکرر و خشونت‌آمیز به اماکن مقدس مسیحیان و مسلمانان در اورشلیم، تحت حمایت نظامیان حرکت و عمل می‌کنند.

در شرایط ادامهٔ سرکوبگری‌ها و جرم‌هایی که اسرائیل بدون مجازات و در واقع با حمایت کشورهای غربی مرتکب می‌شود، متأسفانه نوید خوبی در آیندهٔ نزدیک و پیش‌بینی شدنی برای دستیابی به راه‌حل سیاسی برای پایان دادن به این درگیری‌ها دیده نمی‌شود. جهان در سکوت محض نظاره‌گر تلاش همه‌جانبهٔ اسرائیل برای کشتن و دفن کردن راه‌حل "دو کشور"- این تنها چشم‌انداز واقع‌بینانه برای راه‌حل مسالمت‌آمیز- است. این سکوت خیانتی است به تلاش همهٔ کسانی که در ۳۰ سال گذشته با شهامت به این راه‌حل امیدوار بوده‌اند. باشد که سالگرد نکبت انگیزه‌ای باشد برای تحکیم و تشدید همبستگی اصولی با مردم فلسطین تا سرانجام به این اشغال وحشیانه و غیرانسانی پایان داده شود، کشور مستقل و کاملاً مقتدر فلسطین ایجاد شود، و مسئلهٔ پناهندگان بر اساس قطعنامه‌های سازمان ملل متحد حل شود تا این کابوس ۷۵ سالهٔ نکبت به تاریخ سپرده شود و در سپیده‌دم صلح و طلیعهٔ آن از خواب بیدار شویم. برای همهٔ نیروهای صلح‌طلب و کسانی که برای آزادی، دموکراسی، و عدالت اجتماعی و به‌ویژه حق مسلم یک خلق برای تعیین سرنوشت ملی خودش در سراسر جهان مبارزه می‌کنند، این همبستگی باید امری مسلّم و ضروری باشد!

ادامهٔ «اوپک پلاس»و نبرد سرمایه‌داری با تورم

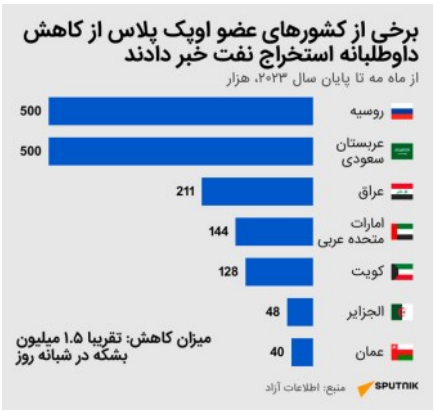

مواد خام و مواد خوراکی غیرنفتی در تولید که هم‌اکنون تا اندازه‌ای کم است، سنگینی و فشار آن را باید دستمزدبگیران برتابند. نکته این است که آیا طبقه کارگر در جهان سرمایه‌داری به‌ویژه در کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری اجازه می‌دهد چنین چیزی روی دهد؟ تا زمانی که طبقه کارگر در برابر این اقدام واکنشی از خود نشان ندهد، رکودی که نوشداروی سرمایه‌داری برای مهار تورم است سخت‌تر و جان‌فرساتر خواهد شد.

اما ایستادگی طبقه کارگر تنها در برابر فشار برای کاهش دستمزدهای واقعی نیست بلکه در پیشگیری از گسترش بیکاری هم است. و اگر رکود گسترش یافته و تشدید شود، کنش‌مندی چشم‌گیر طبقه کارگر را برخواهد انگیخت. هم‌اکنون موجی کوبنده از اعتصاب‌های کارگری اروپا را فرا گرفته است. در واقع بیشتر کشورهای عمده اروپایی با حرکت‌های اعتراضی و اعتصاب روبرو هستند. اگر رکود عمیق‌تر شود، طبقه کارگر زیر هجوم انبوه تورم و بیکاری مبارزه‌جوتر و رزمنده‌تر خواهد شد.

اما این همهٔ ماجرا نیست. اگر رکود عمیق‌تر شود، فشار وارد بر بانک‌ها بیشتر خواهد شد. نظام بانکی در کشورهای پیشرفتهٔ سرمایه‌داری زیر فشار زیادی قرار گرفته‌اند و هم‌اکنون در ایالات متحده به ورشکستگی دو بانک انجامیده است. با تشدید رکود و در پی آن کوتاهی و ناتوانی در پرداخت به‌موقع وام‌های بانکی، وضعیت بدتر هم خواهد شد.

همه این‌ها به یک واقعیت مهم اشاره دارند. مجموعه‌ای از شرایط زیربنایی در کارکرد سرمایه‌داری که به‌نظر بی‌نقص می‌رسد در کاراند و اگر تحقق هر یک از این شرایط مختل شود آنگاه به واکنشی زنجیره‌ای می‌انجامد که به‌طورجدی ثبات کل دستگاه سرمایه‌داری را تهدید خواهد کرد. سرکردگی امپریالیسم کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری به‌رهبری آمریکا بر اقتصاد جهانی یکی از این شرایط است. از آنجایی که این سرکردگی چنان فراگیر بوده و بدیهی پنداشته شده است که بیشتر تحلیلگران حتا ربط آن را متوجه نمی‌شوند. اما شکافی مانند جسارت نسبی عربستان سعودی که به‌تازگی شاهد آن هستیم این واقعیت است که دیگر از سیاست نفتی ایالات متحده پیروی نمی‌کند و این تهدیدی جدی برای ثبات نظام سرمایه‌داری به‌شمار می‌رود.

مدت زمانی است که نظام سرمایه‌داری جهانی پس از فروپاشی حباب مسکن در سال ۲۰۰۸/ ۱۳۸۷ دچار بحران شده است. این یکی از ویژگی‌های بحران است که تلاش برای برون‌رفت از آن در یک شکل به‌آسانی به پدید آمدن بحران در شکلی دیگر منجر می‌شود. نمود آغازین بحران به شکل رکود تورمی بود. حتا اقتصاددانان تأثیرگذار سرمایه‌داری مانند لارنس سامرز، وزیر خزانه‌داری پیشین ایالات متحده، اکنون صحبت از "یک رکود تورمی درازمدت" می‌کنند. پیش از این، کوشش برای غلبه بر این رکود تورمی که با تزریق و ریختن اعتبارهای بانکی بیش از اندازه ارزان در دستگاه سرمایه‌داری در یک دوره زمانی طولانی و سپس با کسری‌های مالی عظیم در پی بیماری همه‌گیری کرونا همراه بود، تورم کنونی را به‌ارمغان آورد. با جنگ اوکراین، نتیجه تلاش برای حفظ سرکردگی غرب در جهان این تورم را شدیدتر کرده است. و اکنون در تلاش برای مهار این تورم، سرکردگی غرب در سراسر جهان و نیز کنترل سرمایه‌داران کشورهای کانونی بر طبقهٔ کارگر خود در معرض تهدید قرار گرفته است. آنچه به‌طورخلاصه مشاهده می‌کنیم فروریزی هم‌زمان سازه‌هایی است که زمینه‌ساز ثبات سرمایه‌داری نولیبرال‌اند.

ادامهٔ بیانیهٔ مشترک: ما با حزب تودهٔ ایران در ...

امر تأکیدی است بر اینکه مبارزه برای تحقق حقوق اجتماعی و اقتصادی و تحقق دموکراسی از امر دفاع از حاکمیت ملی جدا نیست. به همین دلیل، ما بار دیگر بر همبستگی خود با مردم ایران تصریح می‌کنیم و تأکید می‌کنیم که فقط مردم ایران حق دارند، بدون دخالت و فشار خارجی، دربارهٔ سرنوشت خود و سرنوشت ایران تصمیم بگیرند.

در این مناسبت، ما همچنین همبستگی خود را با همهٔ نیروهای ضدّامپریالیستی ابراز می‌کنیم که در برابر تلاش‌های دائم قدرت‌های امپریالیستی برای اعمال سلطه و استعمار مجدد مقاومت می‌کنند. مقاومت قهرمانانهٔ مردم فلسطین نمونهٔ برجسته‌ای از این مبارزه است. مقاومت و مبارزهٔ آنها منبع الهام کارگران و مبارزان ضدّامپریالیست در سراسر جهان است.

روابط بین‌المللی، کمیته مرکزی حزب کمونیست پرتغال

پیام کمیتهٔ مرکزی حزب کمونیست کانادا
به کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران
۳۰ آوریل ۲۰۲۳ [۱۰ اردیبهشت ۱۴۰۲]

رفقای عزیز،

در چهلمین سالگرد دستگیری‌های جمعی ۱۰هزار تن از رهبران، کادرها، و اعضای حزب تودهٔ ایران و کشتار صدها نفر از آن ها به دست رژیم ارتجاعی مذهبی ایران، به نمایندگی از کمیتهٔ مرکزی حزب کمونیست کانادا همبستگی خود را با شما و حمایت خود را از شما ابراز می‌کنیم.

به علت قدرت نفوذ حزب تودهٔ ایران در طبقهٔ کارگر و جنبش‌های مردمی بود که این حزب بین روزهای ۲۷ آوریل تا ۱ مه ۱۹۸۳ [۷ اردیبهشت تا ۱۱ اردیبهشت ۱۳۶۲] هدف ترور حکومتی قرار گرفت.

ما از دولت کانادا می‌خواهیم که برای پایان دادن به تحریم‌ها علیه ایران و علیه ادامهٔ تهدیدهای آمریکا به جنگ با ایران، که حملهٔ مستقیم به مردم ایران و به حق تعیین سرنوشت آنهاست، صدای خود را بلند کند.

ما از حزب تودهٔ ایران و کارگران ایران حمایت می‌کنیم که برای دموکراسی، صلح، و سوسیالیسم، بدون دخالت خارجی، مبارزه می‌کنند.

با احترام‌های رفیقانه،
کمیتهٔ اجرایی مرکزی حزب کمونیست کانادا

ادامهٔ نقش کلیدی مطالبات مادّی زحمتکشان ...

اجتماعی بود و آن را مُخل عملکرد "اقتصاد آزاد" (بی‌نظارت) می‌دانست.

سران حکومت ولایی شدیداً نگران گسترش اعتراض‌های صنفی و تهدید برآمده از سازمان‌یافتگی و اقدام مشترک و هماهنگ جنبش کارگری و زحمتکشان‌اند. دیکتاتوری ولایی خوب می‌داند که مطالبات مادّی زحمتکشان چشم اسفندیار "جراحی‌های اقتصادی" نولیبرالی است که با تأکید خامنه‌ای برای "حفظ نظام" باید پیش برده شود. از این روست که در هفته‌های اخیر دستگیری فعالان صنفی رو به افزایش گذاشته است.

در یک دههٔ اخیر، مطالبات مادّی مبرم طبقهٔ کارگر و دیگر زحمتکشان به طور فزاینده‌ای بر روند تحولات جاری کشور اثر گذاشته است. تا این مطالبات برآورده نشود، همین روند ادامه خواهد داشت. جنبش چپ ایران می‌تواند و باید با پشتیبانی کردن از حرکت‌های اعتراضی صنفی زحمتکشان، با عقب نشاندن گام‌به‌گام دیکتاتوری حاکم، و با ارائهٔ آلترناتیو مردمی و کاراً با برنامه‌ای روشن و قاطع به نفع طبقهٔ کارگر و دیگر زحمتکشان، توازن قدرت را به سود موفقیت مبارزهٔ ضدّدیکتاتوری تغییر دهد.

«اوپک پلاس» و نبرد سرمایه‌داری با تورم

سرمایه‌داری به‌جز در زمان جنگ، همواره در پی کنترل تورم از راه ایجاد رکود بوده است. حتا زمانی که تورم به‌دلیل افزایش مستقل و ساختگی حاشیه سود خالص کلان‌سرمایه‌داران پدید آمده باشد. در این شرایط دستمزدها به‌طرزی انعطاف‌ناپذیر در روند نزولی قرار می‌گیرند یعنی دستمزدها نه‌تنها افزایش پیدا نمی‌کنند کاهش هم پیدا می‌کنند. بنابراین این افزایش سود با بروز رکود کاهش نمی‌یابد. این راهبرد به‌این دلیل دنبال می‌شود که رکود همواره تقاضا برای کالاهای اولیه را کاسته و به‌این ترتیب قیمت آن‌ها را کاهش می‌دهد. این به کاهش تورم کمک می‌کند. به همین ترتیب، رکود، نرخ بیکاری را افزایش و بدین وسیله قدرت چانه‌زنی کارگران شاغل را کاهش می‌دهد، یعنی کارگران برای جبران افزایش هزینه‌های زندگی‌شان، افزایش دستمزد دریافت نمی‌کنند. ثابت نگه‌داشتن دستمزد نیز به کاهش نرخ تورم کمک می‌کند.

در سازوکار اقتصاد سرمایه‌داری سه گروه عمده در چرخه برون‌دهی کالا نقش‌آفرین‌اند. این سه گره شامل سرمایه‌داران، کارگران و تأمین‌کنندگان کالاهای اساسی به شکل مواد خوراکی و منابع آماده مصرف هستند. آنگاه می‌توان گفت که تورم به‌این دلیل پدید می‌آید که مقدار توقع یا انتظار پرداخت از تولید نهایی محصول این سه با هم از خود ارزش محصول بیشتر است. ازاین‌روی، سیاست مهار تورم در سرمایه‌داری همواره شامل کاهش سهم پرداخت دو گروه آخری و نه سرمایه‌داران، از طریق کاهش قدرت چانه‌زنی این دو گروه از طریق رکود است.

توجه‌برانگیز این که حتا اقتصاددانان لیبرال آمریکایی که پذیرفته‌اند در بحران تورم کنونی کارگران بیشترین آسیب را دیده‌اند، همچنان کنترل افزایش دستمزد پولی، یعنی افزایش بیشتر تنگدستی کارگران را برای مهار تورم توصیه می‌کنند. از آنجایی که منطق سرمایه‌داری و دیدگاه اقتصاددانان لیبرال در محدودهٔ قانون‌های سرمایه‌داری عمل می‌کند، پس شیوه سرمایه‌داری برای کنترل تورم را تنها راه ممکن می‌دانند. و همچنین از اینجا روشن است که انگیزهٔ سرمایه‌داری برای کنترل تورم به سبب دلسوزی و همدردی با کارگرانی که باعث تنگدستی‌شان شده است نیست (زیرا در آن صورت برای مهار تورم آنان را وادار به هزینه دادن نمی‌کردند)، بلکه دلیل‌اش در این حقیقت نهفته است که تورم به منافع مالی لطمه می‌زند و سبب می‌شود که ارزش واقعی دارایی‌های دارندگان ثروت یا الیگارشی مالی با تورم کاهش یابد.

برای مهار تورم در سرمایه‌داری، من در بالا به دو گروه در چرخهٔ تولید اشاره کردم که باید هزینه آن را بپردازند. اما اگر یکی از این گروه‌ها موفق شود در برابر فشار بر خود مقاومت کند، آنگاه نظام سرمایه‌داری باید گروه دیگر را برای کنترل تورم با شدت بیشتری زیر فشار قرار دهد. و برای انجام این کار باید رکودی شدیدتر را تحمیل کند. این به‌طوردقیق همان چیزی است که به‌نظر می‌رسد هم‌اکنون دارد روی می‌دهد.

کشورهای عضو "اوپک پلاس" که ۱۳ کشور عضو اوپک و ۱۱ کشور دیگر تولیدکنندهٔ نفت بیرون از سازمان اوپک از جمله روسیه را شامل می‌شود، در ۱۳ فروردین‌ماه تصمیم بر آن گرفتند که تولید نفت خود را به‌میزان یک میلیون بشکه در روز از اردیبهشت‌ماه به بعد دست‌کم تا دی‌ماه امسال کاهش دهند. این کاهش اخیر افزون بر کاهش تولید نفت اوپک پلاس در مهرماه گذشته مبنی بر کاهش دو میلیون بشکه در روز بود. چنین کاهشی با وجود لابی گسترده ایالات متحده علیه آن اتفاق افتاده بود. جو بایدن، رئیس‌جمهور آمریکا، چند تن از وزیران دولت خود را به عربستان سعودی که یکی از سرکردگان اوپک و متحد نزدیک ایالات متحده است روانه کرد و خود نیز به این کشور سفر کرد تا آن را به دست کشیدن از این تصمیم وا دارد. اما این اقدام راه به جایی نبرد حتا در برابر کاهش کنونی، ایالات متحده تلاش فراوانی کرد که بازهم بی‌فایده بود. این کم کردن تولید نفت به‌طورخلاصه نشان‌گر کاهش سرکردگی ایالات متحده است که این روزها مشاهده می‌شود.

اعضای اوپک پلاس برای کاهش اعلام شده استخراج نفت استدلال می‌کنند که

به‌دلیل رکود، تقاضا برای نفت رو به‌کاهش گذاشته است. به‌سخنی دیگر، آن‌ها استدلال می‌کنند هنگامی که تقاضا برای نفت کاهش می‌یابد برای تولیدکنندگان مفیدتر است که به‌جای کاهش قیمت نفت، تولید نفت را کم کنند که درواقع اقدامی است که می‌کوشند آن را به پیش ببرند. استدلال‌شان را این‌گونه می‌توان فهمید: فرض کنید کاهش ۱۰ درصدی تقاضا برای نفت با قیمت کنونی وجود دارد. اگر تولید ۱۰ درصد کاهش یابد، قیمت بدون تغییر باقی خواهد ماند و کل درآمد آن‌ها نیز ۱۰ درصد کاهش خواهد یافت. اما اگر اجازه دهند تولید بدون تغییر بماند و قیمت کاهش یابد تا تقاضا و عرضه هم‌تراز شوند، آنگاه کاهش قیمت بیش از ۱۰ درصد خواهد بود و بنابراین درآمد بیش از ۱۰ درصد کاهش خواهد یافت. این به‌این دلیل است که تقاضا برای نفت کشش قیمتی ندارد (درواقع این دقیقاً همان معنای کشش قیمتی نداشتن تقاضا است). همین کشش قیمتی نداشتن تقاضا برای نفت است که سبب می‌شود شرکت‌های چندملیتی نفتی هرگاه که اراده کنند می‌توانند از پس آن برآیند، حاشیه سود خود را افزایش دهند و در نتیجه قیمت‌ها را افزایش دهند. در واقع این دقیقاً همان معنای کشش قیمتی نداشتن تقاضا به‌معنای آن است

بنابراین به سود تولیدکنندگان است که با کاهش تقاضا در هنگام بروز رکود، میزان تولید خود را کم نکنند و اجازه دهند قیمت برای یکسان‌سازی تقاضا با عرضه تنظیم شود. این استدلال اوپک پلاس برای کاهش تولید است. و از هم‌اکنون حتا پیش از اجرایی شدن کاهش تولید، در طی بازه زمانی یک هفته قیمت نفت خام ۶ درصد افزایش یافته است. حتی بهای سهام برخی از شرکت‌های چندملیتی نفت نیز رو به افزایش داشته است.

اگر قیمت نفت از طریق کاهش تولید نفت بالا نگه داشته شود، آنگاه اثربخشی یک رکود مهندسی شده در کاهش نرخ تورم نیز کاهش می یابد. این بدان معناست که بازه زمانی رکود باید بازهم گسترش یابد تا بتوان محدودیت بازهم بیشتری بر دستمزد واقعی کارگران و سهم سایر تولیدکنندگان مواد خام غیرنفتی و مواد خوراکی اعمال کند. اما سهم تولیدکنندگان

ادامه در صفحه ۱۵

کمک مالی رسیده

خانم از برلین — ۲۰۰ یورو

8 May 2023

حزب تودهٔ ایران
Tudeh Party of Iran

شمارهٔ فاکس و تلفن پیام گیر ما

004930
23629727

لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

آدرس پستی: B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK

آدرس های اینترنت و «ای-میل»
http://www.tudehpartyiran.org
E-Mail: dabirkhaneh_hti@yahoo.de

Nameh Mardom No. 1181
Central Organ of the Tudeh Party of Iran